

برنامه‌های

برای

تغییر



# فهرست مطالب

3	برنامه‌ای برای تغییر
4	سوسیالیسم دموکراتیک
5	ارزش‌گذاری‌های ما
5	دموکراسی
7	آزادی، برابری و اتحاد و همبستگی
8	ارزش کار
9	دید ما از جامعه
9	چه چیز جامعه را شکل می‌دهد؟
10	بازار و سرمایه داری
12	ساختارهای قدرت
14	دنیای امروز
14	چالش‌های بزرگ - و راه‌حل‌های زمان ما
16	شرایط جدید برای توسعه اجتماعی
19	قدرت بر طرز فکر
20	نابرابری جدید
22	تغییرات آب و هوا
23	جنبش برای تغییر
24	سیاست ما
24	آزادی همهٔ انسانها، صلح تمامی جهان
26	جهانی شدن و عدالت
27	مسئولیت زیست محیطی و توسعه پایدار
28	اروپائی اجتماعی و دموکراتیک
31	عدم تعهد نظامی و سیاست خارجی فعال
32	کار و رشد اقتصادی
35	دانش و فرهنگ
39	رفاه و امنیت
41	دموکراسی و مسئولیت‌های سیاسی
42	اعتماد و اشتراک

# برنامه‌ای برای تغییر

ما با هم می‌توانیم آیندهٔ بهتری بوجود بیاوریم. مهمترین درس تاریخ سوسیال دموکراسی درست همین است: میشود اجتماع را تغییر داد.

زمانیکه سوسیال دموکراسی رشد می‌کرد هنوز انسانهای زیادی با تصور اینکه زندگی را سرنوشت تعیین میکند یا یک قدرت برتر و دست نیافتنی آنرا رقم می‌زند زندگی میکردند. انسان خودش نمیتوانست کار مخصوص زیادی برای تغییر شرایط انجام دهد.

اولین وظیفهٔ جنبش کارگری این بود که نشان دهد بی‌عدالتیها و بدبختی‌های اجتماعی در رابطه بود با کمبودها در سازمان دهی جامعه و اینکه این سازمان دهی ثابت نیست. انسانها میتوانند قدرت را بدست بگیرند.

وقتی سوسیال دموکراسی در همکاری با لیبرالها در نبرد با جناح راست، دموکراسی سیاسی را پیش می‌برد راه برای انسانها باز شد تا برای اجتماع و زندگیشان تصمیم بگیرند. مرحله به مرحله نظام طبقاتی قدیم شروع به فرو ریختن کرد تا با یک جامعهٔ رفاهی مدرن جانشین شود.

حتی در زمان کنونی هم بگوش میرسد که تغییرات ممکن نیست، که ما باید خود را با آنچه قدرتها تصمیم میگیرند تطابق دهیم، که ما نمیتوانیم تأثیر بگذاریم. جواب سوسیال دموکراسی همان است که همیشه بوده: از طریق دموکراسی ما می‌توانیم جامعه را تغییر دهیم و بهتر کنیم.

ما سوسیال دموکراتها توانسته‌ایم در پیشرفت جامعه تأثیرگذار باشیم چونکه ما از ایده‌هایمان مطمئن و به آنها راسخ بوده‌ایم. اما همچنین برای اینکه اطاعت کرده‌ایم، از تجربه‌ها یاد گرفته‌ایم و به چالشها با دانش جدید برخورد کرده‌ایم.

در این برنامهٔ اصولی تعریف میکنیم که چطور میخواهیم با چالشهای امروز و فردا برخورد کنیم. ما در مورد ایده‌ها و ارزشهای بنیادیمان تعریف میکنیم، که چطور به رشد جهانی و ملی جامعه مینگریم همچنین موضع گیریهای سیاسی اساسی‌مان را گزارش می‌کنیم.

ما با هم میتوانیم جامعه‌ای بسازیم که در آن همه زندگی بهتری داشته، احساس آزادی و باور به آینده کنند.

## سوسیالیزم دموکراتیک

سوسیال دموکراسی می‌خواهد جامعه‌ای بر مبنای ایده‌آلهای دموکراسی، برابری ارزش و برابری حقوق همه انسانها فرم دهد. انسانهای آزاد و برابر در یک جامعه همبسته و متحد هدف سوسیالیزم دموکراتیک است.

انسان میبایستی آزاد باشد تا همچون یک فرد رشد کند، بر زندگی خودش حکمران باشد، موجودیتش را مطابق با امیال و آرزوهایش شکل دهد و بر جامعه خودش تأثیرگذار باشد. این آزادی میبایستی شامل همگان شود. بنابراین برابری شرط آزادی است.

سوسیال دموکراسی می‌خواهد موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل آزاد سازی انسانها را از میان بردارد. هدف ما جامعه‌ای است بدون ارجح داده شدگان و پست گماشتگان، بدون اختلاف طبقاتی، بدون پدرسالاری، نژاد پرستی یا ضد همجنس گرائی و تغییر جنسیتی، جامعه‌ای بدون تعصب و تبعیض.

اتحاد و همبستگی از این بینش که ما همگی بهم وابسته‌ایم رشد میکند. آن جامعه دلخواه در تعاون، با مراعات و احترام متقابل ساخته میشود. همگان می‌بایستی حقوق و امکانات مساوی برای تأثیرگذاری داشته باشند، همگان می‌بایستی تعهد یکسان برای قبول مسئولیت داشته باشند.

سوسیال دموکراسی می‌خواهد اجازه دهد ایده‌آلهای دموکراسی بر تمامی جامعه و بر روابط متقابل بین انسانها نشان بزنند. خواست مشترک شهروندان جلوه داده شده در بحث آزاد و باز و ابراز شده در انتخابات دموکراتیک همیشه بر دیگر ادعاهای قدرت و علاقه ارجحیت دارد. لذا دموکراسی بر بازار حق تقدم دارد. از طریق دموکراسی شهروندان تصمیم میگیرند چه اصولی میبایستی رشد جامعه را هدایت کنند و چگونه وظائف و مسئولیتها میبایستی بین اجتماعات و اشخاص، بین مقامات رسمی و بازار تقسیم شوند.

سوسیال دموکراسی می‌خواهد که هر انسانی بعنوان شهروند، مزد بگیر و مصرف کننده حقوق و امکانات یکسان در تأثیرگذاری بر جهت و تقسیم تولید، سازمان و شروط بازار کار داشته باشد. در این تلاش جنبش اتحادیه‌های کارگری نقش مرکزی دارند. اما همچنین دیگر اتحادیه‌های آزاد، جنبش‌های مردمی، سازمانهای غیر انتفاعی، سازمانهای آموزشی، جنبش‌های محیط زیستی، سازمانهای مصرف کنندگان و شرکتهای تعاونی برای گستراندن و عمق دادن به دموکراسی مهم هستند.

بحران آب و هوا و تخریب محیط زیست آشکار کرده که انسان بدون توجه به طبیعت نمی‌تواند به زیست ادامه دهد. برای ادامه بقایمان احتیاج به یک توسعه اقتصادی، اجتماعی و از لحاظ بوم شناسی بادوام است که احتیاجات نسل کنونی را برآورده کند بدون اینکه امکان تحقق رویاهای نسلهای آتی را به مخاطره بیندازد.

بینش دموکراسی نزد سوسیال دموکراسی اصلاً مرزهای ملی نمیشناسد. هدف یک اشتراک جهانی بر مبنای ایده‌آلهای دموکراسی است. دموکراسی مستلزم رهایی از فقر و وحشت است، اما همچنین آزادی و امکان رشد در اشتراک با انسانهای دیگر هم هست. برای همین این آزادیهای سیاسی باید با حقوق بنیادی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوش بخورند.

اتحاد و همبستگی بین‌المللی بدین معناست که برای حقوق بشر بایستیم، مدار دموکراسیها را بسط دهیم و پشتیبانی آشکاری از جنبشهایی که برای آنها مبارزه می‌کنند بکنیم. اما همچنین مربوط میشود با بسط دادن شعاع عملکرد دموکراسی در ماورأ مرزهای ملی. در این راه احتیاج به یک همکاری جهانی هم میان ملتها و هم میان جنبشهای مردمی در سراسر دنیاست. نهادهای بین‌المللی باید قدرت آنرا داشته باشند که ثروت جهانی را کنترل کنند و تعادل ببخشند و تبدیل به ابزاری شوند برای دموکراسی، عدالت و دوام.

## ارزش گذاریهای ما دموکراسی

سوسیال دموکراسی اساس کار خود را در اختلاف قدرتی که در یک جامعه وجود دارد قرار میدهد و به استعداد سیاست در بوجود آوردن یک آینده بهتر ایمان دارد. در درک حق تقدم دموکراسی و در اعتقاد به حقوق و ارزش یکسان و غیرقابل تجاوز همه انسانها سوسیال دموکراسی عمیقترین ریشه‌های خود را دوانیده است.

موضوع دموکراسی در مورد آزادی است. این شامل آزادی است که بتوان مقصود خود را بیان کرد، انتقاد کرد، روشنگری کرد و افکار عمومی را جلب کرد، مثل حق و امکان عملی که به همراه دیگران آینده را شکل داد. این آزادیهای دموکراتیک نباید اختصاص به گروههای خاصی داشته باشد. همگان به یک اندازه حق تأثیرگذاری در رشد جامعه را دارند.

دموکراسی بیش از نظمی جهت تصمیم گیری و اجرا است. دموکراسی یک سیستم ارزشی است که باید در تمامی شئون جامعه نفوذ کند. آزادی- و حقوق شهروندی یک مبدأ لازم را تشکیل می‌دهند اما کافی نیستند: به آنها باید حق رشد فردی، حق امنیت اجتماعی و نفوذ و شرکت هم در بازار کار و هم در زندگی روزمره نیز اضافه گردد. فقط در آن زمان انسانها میتوانند بطور کامل در دموکراسی مشارکت داشته باشند. بخاطر همین دموکراسی باید حتی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی هم گسترده شود.

دموکراسی ایجاب میکند می‌کند هرکس به حقوق دموکراتیک دیگران احترام بگذارد، سهم خود را از مسئولیت کار اجتماعی بعهده بگیرد و تصمیمات اتخاذ شده را دنبال کند حتی زمانی که در مخالفت با امیال شخصی او قرار می‌گیرند. دموکراسی این حق را میدهد که عقاید و علایق خود را پیش برد، اما بمعنای مسئولیت گوش کردن به دیگران نیز هست. این تضاد و مجادله را منتفی نمیکند اما از همگان این آمادگی را طلب میکند که ناسازگاریها را در حقیقت به شکلهای دموکراتیک حل کنند.

در اصول حق تقدم دموکراتیک این باور محفوظ است که پیشرفت اجتماعی می‌تواند مورد تأثیر قرار بگیرد و هدایت شود. بوجود آوردن یکچنین ایمانی و سعی اینکه انسانها بتوانند خودشان آیندهشان را شکل دهند متعلق است به مهمترین وظائف سوسیال دموکراسی.

ابزاری که سوسیال دموکراسی می‌خواهد با آن جامعه را تغییر دهد اصلاحات است: که از طریق اصلاحات سیاسی جامعه را بسمتی تغییر داد که می‌خواهیم آنرا مشاهده کنیم.

یکچنین پروژه‌های هرگز تکمیل نخواهد شد. سیاست نمیتواند در مورد راه حل‌های مختلف فرضی متوسل به الهیات نظری شود. غیرممکن است که حیاط واقعی، زنده و پیوسته نو شونده را در واژه‌های غیر ملموس زندانی کرد. تغییرات از درخواست و احتیاجهای انسانها سرچشمه میگیرند همانطور که در بحثها و مکالمات دائماً برقرار، با لغات بیان میشوند.

سوسیال دموکراسی می‌خواهد اداره دموکراتیک و امانت‌گونه جامعه را برقرار سازد و رشد دهد. در این خط ما بر این باوریم که رئیس دولت میبایستی با نظم دموکراتیک انتخاب شود و اینکه سیستم پادشاهی منقضی شود.

## آزادی، برابری و اتحاد و همبستگی

سوسیال دموکراسی یک جنبش آزادیخواهی است که فرض میکند آزادی تنها و تنها از راه برابری میسر است. اختلاف در قدرت بین انسانها به معنای اختلاف در آزادی است. هدف برای سوسیال دموکراسی این است که این اختلاف قدرتها را به برابری برساند تا بدین ترتیب میزان آزادی را در جامعه افزایش دهد.

اختلاف قدرتها در جامعه نمیگذارند با روشی ساده اسیر شوند. زمانیکه امکانات انسانها متأثر می‌شوند از اینکه به گروه خاصی تعلق دارند، خود نشانی از تشکیلات قدرت است. طبقه اجتماعی، جنسیت، گروه نژادی همچنین شناسه و گرایش جنسی از شاخص‌هایی هستند که آزادی انسانها را ایجاد میکند بدون توجه به اینکه آنها چه اشخاصی هستند.

در ارتباط با آمار دیده میشود که انسانهای با درآمد کمتر یا سطح تحصیلات پایین‌تر عمر کوتاهتری دارند، بیشتر مریض میشوند، اغلب بیکارند، شرایط کاری بدتری دارند و خدمات درمانی بدتری از دیگران دریافت می‌کنند. بچه‌هایشان با خطر بزرگتری مواجهند که به بیکاری و سلامت بدتر مبتلا شوند. اینها نتیجه خواست آزادانه انسانها نیست.

تا زمانیکه سلامت، امکانات زندگی کودکان یا خطر بیکاری بطور تصادفی در بین مردم تقسیم نشده باشد، این خواست آزاد انسان نیست که تصمیم می‌گیرد. هدف سوسیال دموکراسی این است که انسانها می‌بایستی آنچنان آزاد باشند که شاخص‌های خارجی نظیر طبقه اجتماعی، جنسیت و نژاد تأثیری بر امکانات برای یک زندگی خوب را نداشته باشند.

برابری مساوی با یکنواختی نیست. بلکه برعکس برابری شرطی است جهت تنوع حقیقی چرا که به انسانها امکان می‌دهد بدنبال خواست آزاد خود بروند. زمانیکه بتوانیم آزادانه انتخاب کنیم رشد متفاوت خواهیم داشت.

آزادی واقعی فقط آنجاست که انتخاب واقعی وجود دارد. بدون یک جامعه قوی که بطور فعال و متناوب به انسانها امکانات شکفته شدن و پیشروی عرضه کند، آزادی یک چیز خیالی و ذوقی است. تنها کسی تقلا می‌کند که امکانات داشته باشد. آزادی بنا بر این فقط عدم وجود گرفتاری و فشار نیست، بلکه همچنین دسترسی به یک امنیت مادی و اجتماعی و دائماً فرصتهای جدید است.

معنای برابری برای آزادی از آنجا می‌آید که ما انسانها قوی و متقابلاً بهم وابسته‌ایم. هیچ انسانی یک جزیره نیست. ما با یکدیگر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهیم که به نوبه خود ما را شکل می‌دهد. همچنین روابط انسانی بر ما تأثیر می‌گذارند. اینکه ما در رابطه با دیگران چه کسی هستیم، معنا دارد. لذا درجه برابری در یک جامعه بر آزادی هر انسان تأثیر دارد.

این وابستگی متقابل بین انسانها هسته مرکزی اتحاد و همبستگی است. در دلسوزی برای دیگران این قرار دارد که هم توجه کنیم و هم اینکه خودمان بهترین سعی‌مان را انجام دهیم. اینکه با اتحاد و همبستگی از یکدیگر پشتیبانی نمائیم بر مبنای این پشتگر می‌است که همگان آنچه از دستشان بر می‌آید انجام می‌دهند و مطابق با توان خود کمک می‌کنند. اتحاد و همبستگی توانایی است برای افزایش آزادی در جامعه، چرا که هیچکس قبل از اینکه همگان آزاد شوند، آزاد نیست. عدالت تنها زمانی بدست می‌آید که حتی آنهایی که بی‌عدالتی درباره آنها نیست متأثر شوند.

وظیفه سوسیال دموکراسی این است که جانب آنکس را که قدرت کمتری دارد بگیرد. فقط اینچنین آزادی در جامعه ما گسترش می‌یابد.

## ارزش کار

کار اساس آزادی و رفاه برای انسان است. شرکت در زندگی کاری هم به رشد شخصی و هم اشتراک می‌انجامد. اشتغال کامل، حقوق بگیران را بعنوان جمع تقویت میکند. سوسیال دموکراسی ادعا دارد که خواست انسانها برای اشتغال مهمترین منبع جامعه است.

هر انسانی حق و وظیفه دارد بر حسب توان در زندگی کاری مشارکت داشته باشد. همگان حق داشتن یک کار معنی‌دار را دارند.

هر کاری که خوب انجام شده باشد استحقاق احترام دارد ولی هر کاری یک کار خوب نیست. ما می‌خواهیم برای بازار کاری عمل کنیم که جنبه آموزش داشته و منتهی به رشد انسان میشود. سوسیال دموکراسی برای به تحقق رساندن رؤیای کار مطلوب تلاش میکند. برای همین حقوق بگیران باید تصمیم‌گیری فزاینده بر شرایط جاری در محلهای کار را کسب کنند.

زندگی کاری باید طوری سازماندهی شود که هر انسان برای کار و کارمایه‌اش مورد تقدیر و احترام قرار بگیرد. آن باید چنان سازماندهی شود که همگان خود را از لحاظ حیات و سلامت امن حس کند هم در اسخدام هم در کسب. همگان حق یک تعادل مطلوب بین مزدکاری و اوقات فراغت را دارند و کار



می‌بایستی بتواند با مسئولیت بچه و خانواده ترکیب شود. آزادی رشد کردن بعنوان یک انسان می‌بایستی هم در کار هم هنگام فراغت وجود داشته باشد.

## دید ما از جامعه

### چه چیز جامعه را شکل می‌دهد؟

سوسیال دموکراسی از یک درکی متولد شده است که چگونه تولیدات و شرایط آن برای جامعه و شرایط زندگی انسانها زمینه‌ساز است دارد. زمانیکه تکنیک ماشینی مدرن و روش تولیدات صنعتی رواج پیدا کرد فقط روش کار کردن را تغییر نداد. همه جامعه را عوض کرد. روش درک انسانها را از خودشان و از جهان متأثر کرد، شرایط زندگی روزمره و نهایتاً سراسر نظام اجتماعی را متأثر کرد.

بدین ترتیب ایده‌الوژیهای جنبش کارگری همچنین روشی است برای تجزیه و تحلیل رشد و پیشرفت جامعه. مبنا دید مادی تاریخی است، عبارت دیگر این دید که عواملی همچون تکنیک، تشکیل سرمایه و نظام کار برای جامعه و شرایط اجتماعی انسانها معنایی قاطع دارند.

روش سازماندهی تولیدات کالا و خدمات بدین ترتیب از معنای بزرگی برخوردار است. با این حال همه چیز یک جامعه را روشن نمی‌سازد. همچنین نقشی که هم‌آوری بازی میکند چشمگیر است. هم‌آوری در این راستا که مربوط می‌شود به زندگی خانوادگی، غذا، استراحت و تجدید قوا اما همچنین تمامی چیزهای دیگری که خود شرطی است برای اینکه ما بتوانیم در زندگی کاری مؤثر واقع شویم: مراقبت، آموزش و رشد قوای اجتماعی‌مان. چگونگی سازمان‌دهی هم‌آوری به همان اندازه مفهوم بزرگی برای رشد و پیشرفت جامعه دارد که برای شناخت انسانها از خودشان و جهان بعنوان نظام تولید.

بطور سنتی مسئولیت خانه و خانواده امری بوده است برای خانمها که قسمت اعظم آن بعنوان کار بدون مزد انجام میدادند. ساخت سوسیال دموکراتیک دولت نظام رفاه اجتماعی این را بخشاً تغییر داد بدین طریق که قسمت اعظم این هم‌آوری بجای آن به بخش عمومی جامعه منتقل شد. چنین چیزی برای همگان همچنین ممکن ساخت که بعنوان مثال از آموزش و تعلیمات و نیز خدمات بهداشتی بدون توجه به درآمد بهره مند گردند. این بدین معنا بود که آزادی شخصی برای تعداد زیادی از انسانها افزایش یافت هم برای بانوانی که دیگر در اسارت خانه نبودند و هم برای تمام آنهایی که از خدمات رفاهی اجتماعی بهره میبردند. معدود چیزهایی همچون گسترش رفاه همگانی دولتی یک چنین معنای بزرگی برای رشد درآمد سالانه سوئد داشته است.

بعلاوه یک پیش شرط اساسی برای رشد و پیشرفت جامعه طبیعت است. جستجوی قدرتمند جهت کامیابی که بدنبال شکوفائی صنعتی واقع شد به همان اندازه به کار انسانها مربوط میشود که به دسترسی به انرژی ارزان، پیش از هر چیز نفت مربوط می‌شود. نظام تولیدی که از آن به بعد ما با آن زندگی کرده‌ایم بنا شده است بر استفاده از منابع انرژی پایان پذیر به طریقی که نمیتواند دوام دائم داشته باشد.

تولید و هم‌آوری میتوانند به روشهای بسیار مختلفی سازماندهی شوند اما حد و حدود طبیعت مطلق است. این مرز برای آنچه قابل انجام است قائل میکند. لذا واجب است روش خود را در مورد موضعمان با طبیعت بازنگری کنیم. رشد درآمد سالانه کشور که ما امروزه می‌شناسیم بر اساس منابع پایان پذیر بنا شده است. این باید تغییر کند. تغییر به یک رشد متداوم که همچنین نسلهای آتی را نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهد یکی از اجباری‌ترین وظائف معاصر است.

## بازار و سرمایه داری

زمانیکه بازار به بهترین وجه کار میکند تسریع کننده‌ای پر قدرت جهت عرصه نوآوریها و آفرینندگی انسانها است. این مولد حرکتی منابع اقتصادی را بوجود آورده است که منجر به زندگی بهتر ما شده و اینکه قسمت عظیمی از انسانیت را از فقر رهائی بخشیده است.

همزمان بازار گنجایش گرایشهای مخرب را دارد خصوصاً از طریق تلاش دائمی در نقض خودش. قوه محرکه ذاتی آن به تمرکز و انحصار در مقابل تعدد و تنوع که از پیش شروط خودش است ممانعت ایجاد می‌کند. زمانیکه سود علاقه هرچه بیشتر ارجح را تشکیل میدهد، اهداف اجتماعی در درجه دوم قرار می‌گیرند، چیزی که به استثمار هم انسانها و هم محیط زیست می‌انجامد. قدرتهای بازار همچنین قادر نیستند از منابع تولیدی جامعه بطور کامل استفاده کنند. علاقه به سود همیشه کارآفرین نیست. بیکاری حتی در زمان رونق قوی بازار هم مسئله‌ای است.

سرمایه‌داری مطلق با بازار که بر مبنای عرضه و تقاضا است باید جدا نگاه داشته شود. سرمایه داری مطلق صورت مخرب بازار است. یک سیستم قدرت که طی آن کسی که صاحب سرمایه است حق دارد فرای تمامی علائق دیگر تصمیم‌گیری کند و ارزش و حقوق انسانها با مقرون به صرفه بودنشان تعیین می‌گردد. این سیستم قدرت برای همه بغیر از صاحبان بزرگ سرمایه باعث عدم آزادی می‌گردد. ایجاد تقسیم نابرابر و بی‌عدالتیهای هنگفت می‌کند و باعث درگیریهای شدید اجتماعی داخل و خارج کشورها می‌گردد. منجر به استثمار جدی از محیط زیست و منابع طبیعی می‌شود. برای همین سوسیال دموکراسی یک حزب مخالف سرمایه‌داری است.

به وزنه‌های تعادل دموکراتیک جهت وجود آوردن قوائد استوار جهت کارکرد مطلوب بازار احتیاج است. چیزی که خصوصاً از بحرانهای مکرر مالی در دنیا مشاهده می‌شود. تنها قوائدی که از طرف مؤسسات غیر وابسته به بازار وضع شده باشد میتواند رقابت برقرار کند و رشد به سمت انحصارات خصوصی را مانع شود. همچنین به تصمیمات دموکراتیک احتیاج است برای جلوگیری از استثماری که بدنبال عدم توانائی ساختکارهای بازار از جور کردن دخل و خرج مربوط به چیزهایی که فاقد قیمت بازار است مثل هوا و آب وجود می‌آید.

طرق زیادی جهت سازماندهی فعالیتهای انسانی وجود دارد. نشانگر راه برای سوسیال دموکراسی باید این باشد که در هر وضعیتی امتحان کرد چه شکلی با توجه به عدالت و کارایی بهترین نتیجه را می‌دهد. انتخاب بین بازار و دموکراسی لذا تغییر خواهد داشت بین بخشهای مختلف اجتماعی و بین زمانهای مختلف. اگرچه بعضی زمینه‌ها هرگز خود را با منطق بازار وفق نخواهد داد. حقوق اجتماعی که بدون در نظر گرفتن درآمد به کار همگان می‌آید نباید توسط بازار توزیع شوند.

سوسیال دموکراسی برای نظم اقتصادی تلاش میکند که در آن هر انسان بعنوان شهروند، مزد بگیر و مصرف کننده حق و امکان دارد در سمت تولید و توزیع، سازمان و شرایط زندگی کاری تأثیرگذار باشد. این نظمی است که شامل اشکال مختلف مالکیت میشود که در آن انسانها تشویق میشوند شرکت تجاری راه بیاندازند و اینکه شرکتها و هیئت رئیسه آنها را بعنوان عاملهای مهم در اقتصاد متصور می‌شود. این بدان احتیاج دارد که جریان تولید بر مبنای احترام به کار همگان ساخته شود، از تعهد و میل به کار همگان بهره ببرد و حاصل تولید را عادلانه تقسیم کند. آن نقطه نظر محیط زیست را بعنوان یک تعهد ارجحیت داده شده در تمامی تولیدات می‌انگارد.

بازار و علاقه به سود قسمتی از زندگی اقتصادی است. ولی علائق اقتصادی هرگز حق مرز گذاری برای دموکراسی را ندارند. برعکس این همیشه دموکراسی است که این حق برتر را دارد که برای اقتصاد شروط و چهارچوب تعیین کند.

احتیاجات متعدد و متغیر جامعه نمی‌تواند به تنهایی نه با تصمیم گیری سیاسی و نه با تعیین دخل و خرج توسط بازار تأمین شود. بلکه یک اقتصاد مختلط را طلب میکند که ساخته شده است از یک ترکیب از چاره‌جوییهای اجتماعی و ساختکارهای بازار، یک بخش عمومی کارآ و مؤثر، شرکتهای مسئولیت پذیر، سازمانهای اتحادیه‌ای کارگری قوی و مصرف کنندگان آگاه و فعال.

سوسیال دموکراسی میخواهد تمامی عوامل مطلوب را جمع کند تا جامعه‌ای بهتر بسازد و این به بهترین وجه در همکاری و همیاری میسر است.

## ساختارهای قدرت

سوسیال دموکراسی می‌خواهد جامعه‌ای ببیند بدون بالا و پائین دست. و لذا مبارزه می‌کند با تمامی شکل‌های اختلاف قدرتی که آزادی فردی را کاهش می‌دهند. این مبارزه ریشه می‌گیرد در اعتقاد به اینکه اصل برابری ارزش انسانها نمیتواند در جامعه‌ای که بعضی‌ها زیر دست دیگرانند تحقق یابد.

زمانیکه وابستگی به یک گروه خاص موجب تفاوت‌های قاعده دار در شرایط زندگی انسانها و امکانات برای یک زندگی خوب میشود خود نشانگر پیدایش ساختار قدرت است. فرد مثل یک شخصیت دیده نمیشود و مورد برخورد قرار نمیگیرد و نمیتواند مطابق با شروط و انتخابهای خودش رشد و نمو نماید. انتخابهای بجایش تابع متعلق بودنش به یک گروه خاص تعیین شده بر مبنای طبقه اجتماعی، جنسیت یا نژاد، توانائی عملکرد یا سن، گرایش جنسی، هویت یا بیان جنسی خواهد بود. بسیاری انسانها در برخوردند با پائین دستی چند گانه یا چندین گانه که در آنجا ساختارهای مختلف قدرت یکدیگر را تقویت میکنند.

وابستگی گروهی بر ظرفیت اقتصادی فرد، بر حاکمیت روی زندگی و شغل شخصی‌اش و امکاناتش برای نفوذ بر جامعه تأثیر گذار است. ساختارهای قدرت به برخی انسانها امتیازات می‌دهد در همان حالیکه امکانات رشد و پیشرفت برخی دیگر انسانها را محدود می‌سازد. انسانهایی که منافع سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی از ساختار قدرت امروز می‌برند با پابرجائی آن برنده خلی چیزها خواهند بود.

الگوهای طبقاتی که در زندگی اقتصادی بوجود می‌آیند نقش مرکزی در درک مسئله نابرابری دارند. معقوله طبقات اجتماعی تفاوت‌های قاعده دار در شرایط زندگی انسانها را تشریح می‌کنند که از زمینه تولید نشأت می‌گیرند. اختلاف طبقاتی، آزادی انسانها را تقلیل می‌دهند. بی عدالتیهای وابسته به طبقات اجتماعی خود را از زندگی بالغین در شرایط کودکان منتشر میکنند به طریقی که مفهومش خطر اختلاف طبقاتی فزاینده همچنین در زمانهای آتی هم هست.

اما بالا و پائین دست فقط از وضعیت و نسبت‌های داخل زندگی کاری بوجود نمی‌آیند بلکه همچنین از شاخص‌های دیگر هم ناشی می‌شوند. جامعه امروزی بر یک سری استانداردهای مجزا کننده ساخته شده که تصویری در مورد اینکه چه کسی یا چه خصوصیتی معمولیست و کدام غیر معمولیست تولید می‌کند. آنچه که بعنوان معمول برداشت میشود یک حالت بیشتر ممتاز و ارجح نسبت به آنچه که غیر عادی محسوب میشود دارد. لذا راه حل‌های تنها بر ضد بیعدالتیهای ناشی از اختلاف طبقاتی برای ایجاد برابری واقعی کفایت نمی‌کند. یک مبارزه آگاهانه علیه دیگر ساختارهای قدرت و هنجارهای سرکوبگرانه هم لازم است.

یک ساختار واضح قدرت آنست که ترتیب جنسیتی قدرت نامیده می‌شود، بالا دستی و پائین دستی قاعده دار بین جنسیتها که شرایط زندگی نابرابر برای زن و مرد ایجاد می‌کند. در میان تمامی طبقات جامعه شرایط بانوان با آقایان فرق می‌کند، حد متوسط دستمزدشان کمتر و کار بدون دستمزدی که در خانه و برای بچه انجام می‌دهند گسترده تر است. الگوهای فکری قویی آنچه مردانه و آنچه زنانه است را تعریف می‌کنند. این نظام انتخاب زندگی را نزد زنان محدود و امکانات پیشرفت مردان را تقلیل میدهد.

با حقوق قوی هم‌آوری، اجتماعی و سیاسی می‌توانیم با یکدیگر یک جامعه دیگر و انسانی‌تر بسازیم، با حقوق و مسئولیتهای یکسان برای بانوان و آقایان، در زندگی خانوادگی، کاری و اجتماعی. با یکچنین دید اساسی سوسیال دموکراسی یک حزب طرفدار حقوق زنان است.

در جامعه ما ساختارهای نژادی نیز وجود دارد که زندگی برخی انسانها را محدود میکند همزمانیکه به دیگران امتیاز میدهد. نژادپرستی بر مبنای تقسیم ذهنی گونه‌گروه‌های مختلف مردمی بنا شده است و از نابرابری در قدرت و امکانات بین آنها دفاع میکند.

ما امروز می‌بینیم سطح مشغولیت کاری، دستمزد و امکانات در بازار کار با توجه به رنگ پوست، نژاد، مذهب و تعلق فرهنگی فرق هنگامت می‌کند. تقسیم به گروه‌های مختلف فرضی مردمی و نابرابری میان آنها در تفکیک محل زیست و اینکه در کدام مجامع سیاسی یا دیگر حوزه‌های قدرت در اجتماع نماینده دارند نیز دیده می‌شود.

همزمان که نژادپرستی و ساختار طبقاتی جامعه یکدیگر را تقویت می‌کنند یک خطر وجود دارد که گروه‌ها و مناطق فقیر و در نتیجه ساختار طبقاتی در بحث و گفتگوهای اجتماعی به غلط تبدیل به مسائل نژادی می‌شوند. این دید را ما سوسیال دموکراتها می‌خواهیم با آن مبارزه کنیم.

بهترین روش برای کار بر ضد نژادپرستی تقویت برابری از طریق استخدام و رشد و پیشرفت دادن سیاست رفاه همگانی است. مبارزه با نژاد پرستی در مورد ستیز با تعصبات نیز هست. سوسیال دموکراسی یک حزب ضد نژاد پرستی است که برای تساوی حقوق، بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، تعلق نژادی و فرهنگی یا مذهب تلاش میکند.

ما سوسیال دموکراتها می‌خواهیم برای فرهنگ بین‌المللی کار کنیم که تبادل است بین انسانهایی با نقطه مبدأ و چهارچوب سوابق و تجربیات متفاوت. این تبادل از برابری ارزش و حقوق انسانها، بدون در نظر گرفتن سوابق اجتماعی، نژادی یا مذهبی سرچشمه می‌گیرد.

سیاستهای برابری باید علیه تمامی اشکال بالا و پائین دستی جهت داده شوند و باید از یک چشم‌انداز جامع که در آن ساختارهای سرکوبگر با هم همکاری و یکدیگر را تقویت میکنند دیده شوند. در این برابری گسترده یکی از مأموریت‌های آینده سوسیال دموکراسی نهفته است.

## دنیای امروز چالش‌های بزرگ - و راه‌های زمان ما

ما در عصر جهانی شدن زندگی میکنیم. انسانهای جهان در بعدی به هم وابسته‌اند که قبلاً دیده نشده است.

داد و ستد حاد شده جهانی و نشر ارزشهای دموکراتیک، تکنیک جدید و ابداعات علمی، کامیابی را بوجود آورده که صدها میلیون انسان را از فقر بیرون کشیده است. حد متوسط طول عمر در جهان افزایش می‌یابد، مرگ نوزادان کاهش پیدا می‌کند، انسانهای هرچه بیشتری سواد می‌آموزند و کشورهای هرچه بیشتری دموکراتیک محسوب می‌شوند.

جهانی شدن و داد و ستد هرچه حادثر بین‌المللی منجر شده است که صادرات کالا و خدمات، مفهوم شدیداً افزوده‌ای را برای اقتصاد سوئد یافته است. صادرات امروز معادل است با تقریباً نیمی از درآمد ناخالص ملی در سوئد. این افزایش منجر به استخدامات و رفاه شده است. اما در عین حال جامعه سوئد را هر چه بیشتر وابسته به رشد و پیشرفت اقتصادی دنیای اطرافمان نموده است.

با جهانی شدن یک جابجایی تدریجی قدرت در جهان صورت می‌پذیرد. آنجائی که کشورهای غربی قبلاً مرکز قدرت جهانی را تشکیل می‌دادند امروزه در کشورهای دیگر است که رشد اقتصادی قویتر و بادوامتر است. یکچنین چیزی اثرات بزرگی به جای خواهد گذاشت، نه فقط برای نظم اقتصادی در دنیا بلکه همچنین در جهت سیاسی و فرهنگی آن. همزمان که که یک انتقال قدرت جهانی از اقتصادهای غالب در شمال به سمت کشورهای در حال رشد در جنوب مثبت است، یک خطر جدی بر علیه آزادی و دموکراسی وجود دارد و آن زمانیکه برخی کشورها که نقش فزاینده بازی می‌کنند غیر دموکراتیک هستند و به حقوق بشر احترام نمی‌گذارند. بین‌المللی شدن بمعنای چالشهای جدید برای مشارکت دموکراتیک نیز هست. بسیاری تصمیم‌های سیاسی که سابق می‌توانست در سطح داخلی گرفته شود امروزه توافق‌های بین‌المللی و قانون‌گذاری برون مرزی را ایجاب میکنند.

سرمایه تقریباً بطور آزاد فرای مرزها در نقل و انتقال است. علائق اقتصادی کمتر وابسته به یک مرکزیت ملی شده‌اند و ساختارهای مالکیت تغییر پیدا کرده‌اند. این خطر وجود دارد که تمرکز از

سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و طولی‌مدت به بازدهی‌های کوتاه مدت منتقل شود. حباب‌های مالی رشد می‌کنند و می‌ترکند با عواقب فاجعه بار برای میلیون‌ها انسان به شکل بیکاری و فقر فزاینده.

شکافی بین آسیب پذیری اقتصاد حقیقی و موفقیت‌های اقتصاد مالی وجود دارد. اینکه بورس موفقیت آمیز است لزوماً بدین معنی نیست که سطح بیکاری پائین می‌آید یا سطح استاندارد زندگی مردم بالا می‌رود. تمرکز دادن شرکت‌های بزرگ به ائتلافات جهانی هر چه عظیم‌تر ایجاد مراکز قدرت اقتصادی بزرگ خارج از کنترل دموکراتیک می‌کند. کامیابی‌های فزاینده در بسیاری از اوقات بر اینکه از قدرت کار توسط دستمزدهای پائین و شرایط استخدام ظالمانه سوءاستفاده می‌شود بنا میشوند.

همزمان قدرتهای متضاد فزاینده وجود دارند. همکاری بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری از لحاظ قدرت رو به افزایش است. بالا رفتن سطح شفافیت و افزایش پوشش رسانه‌ای به تلاشهای اتحادیه‌ای کارگری امکانات جدیدی می‌دهند. شرکت‌های هر چه بیشتری متوجه می‌شوند که زیر بار مسئولیت اجتماعی رفتن و قبول حقوق کارگران و کارمندان در جهت منافع طولانی مدت خودشان خواهد بود.

تخلیه منابع طبیعی و تهدید علیه محیط زیست و آب و هوا نیز مرزهای ملی نمی‌شناسند. سوزاندن سوخت‌های فسیلی توسط انسانها منجر به بالا رفتن شدید سطح دی‌اکسید کربن در جو شده است. حد متوسط درجه حرارت در سراسر جهان افزایش می‌یابد. بهمچنین سطح دریاها هم. ناکارآمدی بازار در صرفه‌جویی در منابعی که فاقد قیمت هستند به استثنای انجامیده است که موجودیت همه ما را به خطر انداخته است. هنوز دنیا موفق نشده است این روند را تغییر دهد و کاهش لازم در رها سازی گازهای گلخانه‌ای را فراهم سازد. بحران آب و هوا شاید مهمترین چالش بشریت باشد. این به معنای واقعی کلمه در مورد ادامه بقا همه ماست.

همزمان که میلیون‌ها انسان از فقر شدید رهایی می‌یابند اختلاف طبقاتی جدیدی رو به رشد است. نابرابری در داخل کشورهای دنیا افزایش می‌یابد و پیشرفت اقتصادی با این خطر مواجه است که دچار رکود شود زمانیکه سهم بیشتری از ثروتها نصیب دستان کمتری می‌شوند در همان حالیکه که گروه‌های بزرگی فاقد منابع کافی جهت بالا نگاه داشتن تقاضا در اقتصاد هستند. مهاجرت رو به افزایش است: انسانها به سمت کارهای جدید جذب میشوند تا امکانات برای یک زندگی بهتر را کسب کنند و انسانهای هر چه بیشتری در دنیا در شهرها زندگی میکنند. این هم بمعنای امکانات فوق‌العاده جهت فراهم کردن زندگی بهتر برای خود و هم خطر محرومیت در محله‌های فقیرنشین جدید است.

درگیریهایی شدید بر سر تقسیم، به طور موقت از طریق رشد بدهی‌ها در بخش ثروتمند دنیا توانسته اجتناب شود: وقتی دستمزدهای حقیقی به همان روال کل ثروت افزایش پیدا نکرده است انسانها این را با گرفتن وام‌های بزرگتر جبران کرده‌اند. این منجر شده است به اقتصاد ناپایدار بدهی که بحران مالی بزرگ را در اواخر دهه ۲۰۰۰ میلادی جاری ساخت. در پی بحران اقتصادی ما گرایشهای عمیقاً

نگران کننده به خارجی ستیزی فزاینده، افراط گرایی در حال رشد جناح راست و یک کاهش اعتقاد به دموکراسی بویژه در اروپا را مشاهده می‌کنیم.

هم جهانی شدن، هم مسئله آب و هوا و هم نابرابری رو به رشد نشان می‌دهد چگونه ما انسانها عمیقاً و متقابلاً به هم وابسته هستیم. تقسیم کار جهانی که به بزرگترین افزایش ثروت در تاریخ بشری منجر شده است بدین معنا است که میلیونها انسان بدون اینکه هرگز همدیگر را ملاقات کنند در شبکه‌های پیچیده با هم همکاری میکنند. کالاهائی که ما در یک روز معمولی مصرف میکنیم رد اثر انسانهای بیشماری را بر خود دارد که در بسیاری کشورهای مختلف و به روشهای مختلف منجر به رسیدن آن دقیقاً به دست ما شده‌اند. سیستم اقتصادی و شرکت های خصوصی کاملاً وابسته به محیط خود هستند: به منابعی که طبیعت برای عرضه دارد؛ به چارچوب مقررات و زیرساختی که تنها سازمانهای اجتماعی می‌توانند برقرار سازند؛ به کارکنان که با استفاده از دانش خود ایجاد تولیدات می‌کنند؛ و به مصرف کنندگان که با تقاضای خود مخارج تولیدات را می‌پردازند.

در جامعه مدرن شکل‌های وابستگی جهانی، انتزاعی و غیر شخصی هستند. تعداد بیشماری از انسانهایی که زندگی ما را ممکن می‌سازند برای ما ناشناسند. همزمان آنچنان اعتماد قوی ما در این وابستگی گسترده است که ما وجود آنرا جزو واضح الوضوحات می‌انگاریم، و آن به احتمال قوی بدین دلیل است که در غیر این صورت زندگی برای ما بطور غیر قابل تحملی نا امن احساس خواهد شد. چنین چیزی این حس را در ما تقویت می‌کند که ما استقلال شخصی داریم، تصویری که حقیقتاً بطور تناقض گونه‌ای قویتر به نظر می‌رسد هرچه این وابستگی اجتماعی واقعاً گسترده تر می‌شود.

این وابستگی همواره وجود داشته است اما امروزه قوی تر از قبل است. این واضح تر از هر زمان دیگری است که پاسخ به چالش های عمده معاصر در مفصل اشتراک واقع است. این چالش ها را نمی توان حل کرد مگر با هم، از راههای دموکراتیک و در بسیاری از موارد ماوراء مرزهای ملی. آنها را نمی توان نه به دستان فرد یا بازار رها کرد. جهان بی مرز در صلح و آزادی اهداف بلند مدت سوسیال دموکراسی است.

این ما انسانها هستیم که باید با هم تصمیمهای دشوار اما مطلقاً لازم را در مورد چگونگی اینکه ما می خواهیم در آینده با هم زندگی کنیم بگیریم.

## شرایط جدید برای توسعه اجتماعی

هنوز خط تقسیم بین کار و سرمایه، بسیاری از توسعه جامعه را توضیح می‌دهد. اما درگیری بین آنها دائماً توسط عبارات جدید بیان میشود.



تغییر مهم این است که ارتباط بین مالکیت و مسئولیت مستقیم برای تولید و کسب و کار بطور قابل توجهی تضعیف شده است چیزی که به طرق بسیاری نفوذ شهروندان، مصرف کنندگان، کارگران و کارمندان را بر تولید کاهش می دهد. مالکیت سرمایه بصورت گم نام و مؤسساتی شده است: شرکت های سرمایه گذاری، صندوق های بورسی، صندوق های بازنشستگی و سایر مؤسسات که سرمایه را از طرف دیگران مدیریت میکنند جوابگوی سهمی در حال رشد از انباشت سرمایه و مدیریت دارایی را تشکیل می دهند. شرکتهای عظیم بین المللی میشوند در عین حالی که کسب و کارهای کوچک نقش مهمی ایفا می کنند. همه آنها به معنی شرایط جدید برای کار و در نتیجه برای جامعه است.

تحرك بین المللی سرمایه مطالبه سود را افزایش داده و سهم سرمایه از نتیجه تولید را بالا برده است. این تولید را با سرعت سخت تر، اخراجهای بیشتر و افزایش استفاده از اشتغال موقت تحت تاثیر قرار داده است.

بخش عمده ای از سرمایه مؤسساتی در صندوق های بازنشستگی و شرکت های بیمه وجود دارد که از پول کارگران و کارمندان گسترش یافته است. این بدان معناست که فرصت های جدید برای حقوق بگیران باز می شود تا به طور مشترک چگونگی استفاده از سرمایه را تحت تاثیر قرار بدهند. در دراز مدت این مقرر است که مرز بین سرمایه و کار می تواند سست تر شود.

جهانی شدن سریع توسط انقلاب در فن آوری اطلاعات تحریک می شود. این شرایط جدید برای سرمایه بین المللی ایجاد کرده، معاملات مالی فوری و بی حد و حصر را ممکن ساخته، مسیرهای تصمیم گیری را کوتاه و فرآیندهای تصمیم گیری را کوچکتر کرده است.

فن آوری اطلاعات، انقلابی نیز در زندگی روزمره بسیاری از مردم ایجاد نموده است. ارتباطات بی حد و مرز راه های جدیدی را به دانش باز کرده اند، ایجاد محلهای جدید برخورد کرده و روابط اجتماعی تازه ای برقرار نموده اند. این آزادی فردی را در انتخاب معاشرت، شیوه زندگی و هویت افزایش داده است. فناوری نقش مهمی در توسعه دموکراسی ایفا می کند. رسانه سریع دیجیتال به ابزاری موثر برای جنبشهای آزادی در سراسر جهان تبدیل شده اند، در همان حالی که قوه حیات جدیدی به دموکراسی های قدیمی ارائه می دهند.

صنعت به بخش بزرگی از منابعی که در کشور ما ایجاد شده نشأت می دهد، در حالی که سهم آن از اشتغال کاهش می یابد. خدماتی که به طور سنتی در صنعت انجام میگرفت امروزه توسط ارائه دهندگان خدمات انجام می شوند. بخش خدمات که به طور فزاینده ای در حال ظهور است برای مشاغل هرچه بیشتر مهمتر می شود، و الگوهای متنوعی از کار و سازمان کار را معرفی می کند.

اهمیت دانش در محل کار رو به رشد است. موفقیت شرکتها به طور فزاینده ای به مهارت کارکنان وابسته می‌شود. نیاز به آموزش و پرورش واجد شرایط افزایش یافته است. این همچنین مهارت های اجتماعی و توانایی همکاری هم به طور جمعی و هم کار به طور مستقل با وظایف مختلف را مطالبه می‌کند. چنین چیزی با یک رویکرد سوسیالیستی کلاسیک به این معنی است که کارکنان می‌توانند کنترل بر کار خود را بازیابند و در نتیجه جایگاه خود را در زندگی اقتصادی تقویت نمایند. رابطه قدرت بین سرمایه و کار در حال تغییر است و موقعیت کار در حال بالا رفتن است.

اما پیشرفت تقسیم شده است، چون در عین حال گروه زحمتکش با ارتباط ضعیف با بازار کار قویاً در حال رشد است. فاصله بین گروه های به حاشیه رانده شده در بازار کار و ممتاز ترینها، زیاد و در حال رشد است.

بحران بزرگ مالی در اواخر سالهای ۲۰۰۰ میلادی با وضوح ترسناک نشان می‌دهد که اعتقاد به این که بازار خود تنظیم است درست نیست. این بحران اهمیت تلاش متقابل دموکراتیک و اهمیت توافقنامه های بین المللی برای جلوگیری از فروپاشی بازار تنظیم نشده را نشان می‌دهد. اما استلزامات بزرگتر از اینها هستند. بحران مالی به همان اندازه می‌تواند با غیاب امنیت اجتماعی برای بخش بزرگی از جمعیت جهان توضیح داده شود.

در برخی از کشورها در جهان، عدم وجود حقوق بازنشستگی امن، امنیت و رفاه اجتماعی دیگر بدان معنی است که مردم با پس انداز خود این فقدان را جبران می‌کنند. این وضعیتی بوجود آورده که در آن برخی از کشورها مازاد حساب جاری بزرگ بطور بازگشت کننده ایجاد کرده‌اند، که بدان معنی است که آنها کمتر از تولیدات خود مصرف می‌کنند، و لذا با تکیه بر تقاضای کشورهای دیگر اقتصاد صادراتی خود را در جریان نگاه می‌دارند.

این پس انداز فزاینده در برخی از کشورها توسط بدهی رو به رشد دیگران منعکس شده است. هر چند که این هم تا حد زیادی با فقدان مدل اجتماعی توضیح داد می‌شود. وقتی سهم سود در اقتصاد افزایش یافته است ولی دستمزدهای واقعی برای دهه‌ها همراهی نکرده‌اند مردم در این کشورها به جایش استاندارد زندگی خود را با گرفتن وام بیشتر جبران می‌کنند.

جمعاً همه اینها بدان معنی است که عدم تعادل در تجارت بین چند تن از بزرگترین اقتصادهای جهان بطور غیر قابل تحملی رشد کرده است. نظم اقتصادی در جهان به طور فزاینده‌ای به یک اقتصاد بدهی توسعه یافته است. این امر منجر به بی ثباتی عمیق، که در نهایت در بحران مالی بزرگ منفجر شد منجر شده است. در پی آن بدهی‌های خصوصی توسط دولتها بدست گرفته شده، که در بسیاری از

کشورها از شهروندان درخواست فداکاریهای بسیار سنگین از طریق کاهش دستمزدها، زوال سیستم های رفاهی و کاهش شدید در هزینه های عمومی شده است.

## قدرت بر طرز فکر

بیشتر و بیشتر مناطق از قلمرو وجود انسان شامل منطق بازار می شود. در حالی که دموکراسی در حال به دست آوردن قلمرو در جهان است، موضع بازار نیز افزایش یافته است، به هزینه دموکراسی. این با وجود این واقعیت است که زمانی که سیاست عقب می نشیند، نتیجه آن آزادی بیشتر برای فرد نیست، بلکه تنها دیگر گروه های قدرت - مخصوصاً علائق اقتصادی قوی - بجایش پیشروی می کنند.

زندگی ما به طور فزاینده ای توسط تلاش های پیچیده ای نشان زده میشود که بوسیله نیروهای محرکه اقتصادی - قیمتها، تقلیل های مالیاتی، هزینه ها، مالیاتها - در انجام زندگی ما تاثیر می گذارند. در مناطق متعددی، مشوق های اقتصادی می توانند محرک های موثری برای راه سالمتر زندگی یا یک مسئولیت بزرگتر محیط زیستی فردی باشند. اما زمانی که نیروهای محرکه اقتصادی ابزار غالب برای کنترل می شوند و منطق بازار به تنها رویکرد تبدیل می گردد، جامعه فقیرتر میشود. وقتی که همه چیز یک قیمت دارد، هیچ چیز ارزش نیست.

اساس برای بینش اجتماعی سوسیال دموکراسی این است که انسان با محیط خود شکل می گیرد. سوسیال دموکراسی از طریق اصلاحاتش خواسته جامعه ای بسازد که در آن همبستگی با منافع شخصی یکی می شوند، بطوری که برای انسانها آسان باشد در همبستگی با دیگران عمل کنند و در نتیجه کمک به یک موجودیت انسانی تر بشود.

امروز ما در جامعه ای زندگی می کنیم که از جنبه های کاملاً متفاوتی در انسان خوشنود است. مفهوم انسان اقتصادی یا انسان منطقی، به شدت محاسبه گر، فردی به حداکثر رساننده فایده یک بار در درجه اول شخصیتی فکری در یک مدل اقتصادی بود. اما به عنوان یک الگو برای تصمیم گیری سیاسی، این مدل در حال تبدیل شدن به واقعیت است. ما در یک نوع جامعه مشوقی که در آن مردم به صورت مداوم به شرایطی که آنها را به محاسبات اقتصادی بر اساس منافع خود ترغیب میکند زندگی می کنیم. سیاست مبتنی بر اینکه مردم به طور عمده توسط منافع شخصی واکنش نشان دهند آنها را تحت تاثیر قرار خواهد که در این راه نیز عمل کنند. به این ترتیب، جامعه عملکرد انسان را شکل می دهد.

در این موازات، می بینیم که چگونه پدیده ها بیشتر و بیشتر فردی می شوند. علی رغم این که یک مشکل که برای بسیاری مشترک است و بر اساس تعریف یک مشکل اجتماعی است، و با وجود اینکه همه ما وابسته به محیط خود هستیم، چه در رابطه با پیشرفت و چه پس رفت، معمولاً این فرد است که به طور

فزاينده مسئول براي هر دوي موفقيت و شكست شناخته مي‌شود. اين كمك مي‌كند به کاهش ايمان مردم به قدرت دموكراسي در امر تغيير. هر كس مسئول موفقيت خويش مي‌شود و چيزي كه همه با هم مي‌توانند انجام دهند طور فزاينده دور به نظر مي‌رسد.

بازار ويژگي هاي خاصي از انسان را با پاداش تشويق مي‌كند، در حالي كه ويژگي هاي ديگر را سركوب مي‌نمايد. مركزيت در مكانيزم بازار رقابت است و اينكه قوي بر ضعيف برنده مي‌شود. سرمايه داري به دنبال بالا بردن اين اصل بعنوان هنجار براي كل جامعه، براي رفتارهاي فردي انسانها و براي ارزيابي انسانها است.

در جامعه مشوقي ارزش هاي انساني مانند همبستگي و همدردي به محاسبات سود دهی تبديل و تحريف مي‌شوند. نيروي كار به عنوان يك كالاي مصرفي ديده مي‌شود. نيازهاي كودكان به وقت پدر و مادرشان بخاطر مطالبات زندگي كاري بر روي كاركنانشان به كناري گذاشته مي‌شود. اشتياق طبيعي مردم براي همزيستي و ستايش تبديل به موضوعي مي‌شود براي استنثار شديد تجاري. نتيجه جامعه‌اي است فاقد اعتماد و همكاري است. بينش ارزشي سرمايه داري بحث و گفتگو و تشكيل نظر عمومي را نيز تحت تاثير قرار مي‌دهد، و بدین ترتيب بر طرز فكري كه تحت نظم جهاني جاري مي‌سازد اعمال قدرت مي‌كند.

در همان زمان در اين جنبش عليه دائماً بازار بيشتري، اشتياق وافر براي چيز ديگري بيدار مي‌شود، براي امكانات جهت توسعه از بسياري روش‌هاي مختلف، نه فقط از روشي كه نيروهاي بازار ترويج مي‌كنند.

## نابرابري جديد

در سوئد، آزادي مردم براي شكل دادن به زندگي خود برطبق خواسته هاي شخصي گسترده‌تر از بيشتري كشورها ديگر است. فشار باورهاي محدود كننده قديمي در مورد اينكه مردم چگونه بايد زندگي مي‌كنند کاهش يافته است در حالي كه رفاه مادي و دولت رفاه كه استقلال فردي را تقويت مي‌كنند، امكانات بيشتري به انسانها داده اند تا زندگي خود را شكل دهند.

امروزه ما با اين حال مي‌بينيم كه اين رفاه در حال كم رنگتر شدن است به صورتي كه در نهايت موجب تحت تاثير قرار گرفتن گروه‌هاي بسيار گسترده اي مي‌شود. جامعه اي كه از هم تجزيه مي‌شود همه را و نه فقط كساني را كه در پايين طبقات اجتماعي قرار دارند تحت تاثير قرار مي‌دهد.

شکاف سطح رفاه بین کشورها در حال کاهش است، هرچند به کندی، در حالی که روند برای مدت زمان طولانی این بوده است که نابرابری درآمد در داخل کشورها در حال افزایش است. در بسیاری از کشورها اختلاف در مورد سطوح بحدی زیاد است که هم انسجام و هم رشد اجتماعی را تهدید می‌کند. حتی در سوئد، نابرابری‌ها طی چند دهه افزایش یافته‌اند.

تحولات بازار کار به نابرابری در حال رشد کمک کرده است. پس از اینکه چند دهه بیکاری تقریباً غیر ملموس بود و نرخ اشتغال در میان بالاترین در جهان قرار داشت، نرخ بیکاری در سوئد پس از بحران از ۱۹۹۰ میلادی شروع به بیشتر شبیه به سایر کشورها شدن نموده است. پس از هر رکود اقتصادی، بیکاری در یک سطح بالاتر از قبل خود را مستقر کرده است.

جدا سازی از کار بر اثر بیماری افزایش می‌یابد در حالی که فرصت برای بازگشت کاهش می‌یابد. تیغۀ شکاف دهنده بین کسانی که کار می‌کنند و کسانی که بی‌کارند زده می‌شود. در حالی که خود بازار کار هم قطبی می‌شود. تعداد کار تخصصی و رشد دهنده افزایش یافته، اما همچنین تعداد شغل با شرایط استخدامی غیر امن هم افزایش یافته است. تعداد بیش از حد بسیاری جان خود و سلامت خود را در محیط کاری از لحاظ جسمی یا ذهنی پر تنش به خطر می‌اندازند. زمان کار در حال گسترش بیشتر و بیشتر بر زندگی انسانها است: برای برخی کار در ساعات کار ناراحت کننده و نامنظم به طور فزاینده معمولتر می‌شود، برای دیگران مسئله در مورد زمان کار غیر تنظیم شده و درخواستهای رو به رشد برای در دسترس بودن مداوم و مستمر حتی در اوقات فراغت است.

نابرابری در حال رشد در جامعه سوئد دارای چندین توضیحات است. افزایش جهانی شدن توازن نیروهای بین کار و سرمایه را تغییر داده است، تا کنون به نفع سرمایه.

به همین موازات، یک جابجائی سیاسی در ارتباط با موج نئولیبرالی در پایان قرن گذشته رخ داده است. تغییرات در شرایط اقتصادی در جهان به موفقیت سمت راست سیاسی در جهان منجر شده است. علائق قدرتمند اقتصادی منابع عظیمی را برای مشروعیت بخشیدن به روند توسعه در مقابل نابرابری اجتماعی و اقتصادی سرمایه گذاری کردند. سیستم های رفاه عمومی به عنوان بوروکراسی عظیم شرح داده شد، که مانع تجارت آزاد شده، و پیگیری برابری اجتماعی به عنوان یک تهدید به آزادی فردی توصیف شد.

تبلیغات شدید علیه ایده برابری موفق بود. این منجر شد که نخبگان کسب و کار برای خودشان امتیازات بزرگ ظالمانه و تکان دهنده‌ای قائل شوند چیزی که به طور چشمگیری شکاف بین فقیر و غنی در جامعه و شکاف بین کارمندان و صاحبان شرکت و مدیرینها را افزایش داد.

برخلاف دانش به دست آمده از تجربه چند دهه گذشته از آزمایش نئولیبرالی، در حقیقت اینکه جوامع تلاش کننده برای برابری اجتماعی شرایط بهتری برای توسعه اقتصادی دارند، بسیاری از کشورها، از جمله سوئد در طول دولت بورژوازی، عمداً سیاستی را اعمال کرده که گسترش شکافهای طبقاتی را به دنبال داشته است. این سیاست تلویحاً از تغییر سیستم خبر می‌دهد.

## تغییرات آب و هوا

تغییرات آب و هوا یک مسئله حیاتی زمان ما است. اگر درجه حرارت همچنان به افزایش در نرخ فعلی ادامه دهد، به عواقب جدی برای حیات بر روی زمین منجر خواهد شد. ذوب یخچال‌های طبیعی، بالا آمدن سطح دریا، افزایش خشکسالی و آب و هوای شدید بسیاری از اکوسیستم‌های جهان را تهدید می‌کنند. حیوانات و گیاهان در معرض خطر انقراض قرار دارند و معیشت انسان در خطر نابودی می‌باشد.

آب و هوا و مسائل زیست محیطی در حال تبدیل شدن به طور فزاینده‌ای در هر دو سیاست‌های ملی و بین‌المللی به مسئله‌ای مهم است. اما به اکوسیستم زمین بطور ممتد فشار بیش از حد سخت توسط تکنیک‌های تولید که طلب‌کننده منابع هستند و الگوهای مصرف به همان اندازه طلب‌کننده منابع که در جهان صنعتی توسعه یافته‌اند وارد می‌شود. فن آوری سازگار با محیط زیست بیش از حد به آرامی توسعه و گسترش می‌یابد. هر دو ساختار اقتصادی و اجتماعی مانع تنظیم لازم برای پایداری زیست محیطی هستند.

آب و هوا و مشکلات زیست محیطی نشان داده است که اقتصاد در کشورهای دموکراتیک نیز می‌تواند استثمارگرانه باشد. این اتفاق می‌افتد اگر هدف تنها با این مبدأ انتخاب شود که اقتصاد چه مقدار منابع برای رفاه امروز ایجاد میکند، صرف نظر از آنکه در همان زمان چه مقدار در قالب منابع طبیعی استفاده شده هزینه بر می‌دارد. الزامات زیست محیطی بُعدی به بحث قدرت اقتصادی می‌افزاید که بدون در نظر گرفتن فرم مالکیت و اینکه چگونه نتیجه تولید توزیع می‌شود صدق می‌کند.

سیاست محیط زیست چندین ابعاد سیاست توزیعی دارد. این امر قسمتی مربوط به توزیع بین نسلها است، که نسل حاضر حق ندارد به خاطر رفاه خود منابع طبیعی و زیستگاه طبیعی که پایه‌ای برای زندگی نسل‌های آینده هستند را تهی نماید. همچنین مربوط می‌شود به توزیع بین کشورهای غنی و فقیر، بین کشورهای با تولید گازهای گلخانه‌ای بزرگ و کوچک و بیش از هر چیز بین فقیر و غنی در داخل همان کشور. کشورهای با بهترین شرایط اقتصادی بیشتر منجر به وجود آمدن این مشکل می‌شوند، در حالی که آنها معمولاً بهترین شرایط لازم برای مقابله با تغییرات آب و هوایی را نیز دارا می‌باشند. بی‌اعتمادی مربوط به نابرابری در جهان یکی از دلایلی است که تلاش برای رسیدن به یک توافق بین‌المللی در مورد تغییرات اقلیمی را به اندازه کافی دور از دسترس نگاه داشته است.

مسائل دشوار توزیع نشان می دهد که همبستگی باید جهانی باشد. کشورهای ثروتمند که اکثریت مطلق انتشار گازهای گلخانه ای را به خود اختصاص داده اند همچنین باید بزرگترین مسئولیت برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای را نیز متقبل شوند. این تنظیمات مهم در جامعه را طلب خواهد کرد. آنچه که همواره قدرت سوسیال دموکراسی بوده است، که مردم را برای تغییر تجهیز کرد، یک پیش نیاز لازم برای ساخت یک جامعه پایدار است. به این ترتیب، سوسیال دموکراسی نقش منحصر به فرد در امکان تطبیق دادن تحول زیست محیطی با توسعه اجتماعی و اقتصادی ایفا می کند. انتقال به یک جامعه پایدار بمعنی پتانسیل بسیار زیادی برای نوآوری های جدید، مشاغل بیشتر و کیفیت بالاتر زندگی است.

## جنبش برای تغییر

دموکراسی مردم را تشویق می کند به خواست کنترل بر زندگی خود و قبول نکردن اینکه توسط نیروهایی که نمی توانند کنترل کنند هدایت شوند. این، و قدرت ارزش های دموکراتیک به خودی خود قوی ترین برج و بارو در برابر سلطه علائق سرمایه داری بر توسعه جامعه است.

در حال حاضر نیروهای خنثی کننده مختلف در برابر سرمایه بین المللی در حال رشد و توسعه هستند: سیاست شکل های خود را برای همکاری های بین المللی توسعه می دهد. دولتهای ملی ابزار سیاست اقتصادی خود را برای به حداقل رساندن دامنه حدس و گمان بخش مالی تغییر می دهند. اتحادیه ها به دنبال استراتژی های بین المللی علیه رقابت زیر قیمت در دستمزد و شرایط کار هستند. جنبش های مردمی از تکنولوژی مدرن جهت هدایت افکار عمومی و هماهنگ کردن اقدامات استفاده می کنند. واکنش های مصرف کننده گان به عملیات شرکت های چند ملیتی در کشورهای فقیر در بسیاری از موارد آغاز یک مسئولیت اجتماعی بیشتر را به پیش رانده است. تعهد به محیط زیست و گذار لازم برای توسعه ای پایدار، یک گردهمایی بین المللی برای مقابله علیه استثمار محیط زیست طبیعی ما است.

تغییر امروز قدرت بسمت منافع سرمایه یک نتیجه اجتناب ناپذیر و در نتیجه غیر قابل تغییر در امر جهانی شدن نیست. این را می توان لزوماً با کار سیاسی و اتحادیه های کارگری تغییر داد. فرصت های جدیدی جهت تساوی نابرابریها و گسترش دموکراسی و رفاه گشوده می شود اما نیاز به اراده و نیروی سیاسی برای به دست گرفتن این فرصتها است.

سوسیال دموکراسی سوئدی می خواهد یک بخشی از این نیروی سیاسی باشد که جهانی شدن را به یک ابزار برای دموکراسی، عدالت و پایداری تبدیل گرداند.

# سیاست ما

## آزادی همه انسانها، صلح تمامی جهان

احترام به حقوق بشر شرط لازم برای دموکراسی است. سوسیال دموکراسی نمی‌پذیرد که قدرتی به دلیل منافع سیاسی یا اقتصادی حقوق بشر را نقض کند.

کار برای حقوق بشر با توسعه صلح و امنیت از نزدیک در ارتباط است. ما سوسیال دموکراتها می‌خواهیم این رابطه را تقویت کنیم. ما می‌خواهیم به همراه نمایندگان جامعه مدنی، در هر دو سطح ملی و بین‌المللی با توسعه ابزار سیاسی، اقتصادی، انسان‌دوستانه و حمایت از صلح منجر به یک جهانی که در آن ارزش و حقوق برابر زنان و مردان مورد احترام است شویم.

بخش مرکزی این کار تقویت موقعیت زنان و بهبود شرایط رشد کودکان است. این حق و فرصت برای برنامه ریزی خانواده نیاز دارد. زنان باید از حق آموزش و پرورش، حق کنترل اقتصاد خود و قبل از هر چیز حق کنترل بدن خود را دارند.

همبستگی بین‌المللی گسترش شعاع عملکرد دموکراسی در سطح جهانی را هدف قرار می‌دهد. ما می‌خواهیم نهادهای بین‌المللی، هر دو منطقه‌ای و جهانی، به ابزار موثری برای آزادی، دموکراسی، عدالت و پایداری بدل شوند.

خلع سلاح نظامی یک کار اساسی برای همکاری‌های بین‌المللی است. به همان ترتیب که جامعه بین‌المللی به کنوانسیون‌های بین‌المللی دست یافته که سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی را منع می‌کند، ما می‌خواهیم برای یک کنوانسیون منع سلاح‌های هسته‌ای کار کنیم. خطر توسعه یافتن سلاح‌های کشتار جمعی توسط رژیم‌های عمیقاً غیردموکراتیک و یا گروه‌های تروریستی، که در خارج از تمام توافقنامه‌های بین‌المللی می‌ایستند، نیاز به اقدام خاصی از سوی جامعه بین‌المللی دارد. چنین چیزی در مبارزه با تجارت غیرقانونی اسلحه هم صدق می‌کند.

هیچ دولتی و یا گروه تروریستی نمی‌تواند با قدرت نظامی یا اقتصادی، به زور کشورهای دیگر را به تبعیت نظامی و سیاسی وادار نماید. حق خود مختاری دولتها در ردّ چنین حملاتی شرط اساسی برای همکاری‌های بین‌المللی بین‌شرکای برابر است.



اما یک اساس به همان اندازه لازم احترام به حقوق بشر است. از حق فردی به زندگی در آزادی و امنیت باید همیشه دفاع کرد. جامعه بین المللی باید قادر به واکنش نشان دادن در صورت تهدید جدی علیه گروه‌های مردمی باشد، حتی زمانی که تهدید از طرف کسانی که کنترل دستگاه دولتی را در چنگ دارند می‌آید. لذا هر نوع اقدام تروریستی، و همچنین هر گونه خشونت سازمان یافته علیه مردم غیر نظامی باید همیشه رد شود.

سازمان ملل متحد باید برای دخالت در حفظ صلح تقویت شود. حق وتو در شورای امنیت باید محدود شود و سازمان ملل متحد و منشور سازمان ملل متحد برای همه استفاده‌های از نیروی نظامی در درگیریهای ملی و بین المللی حاکم گردد.

در جهان امروز اغلب تنش‌های دیگری غیر از ارتش دلیل درگیری های مسلحانه‌اند. شکافهای اقتصادی و تنش های قومی و اجتماعی تهدید مطرح بزرگتری برای صلح هستند، و آنها بیشتر در درگیری های داخل دولتها تا بین دولتها بیان می‌شوند. بنابراین باید تلاش طولانی مدت برای کار حفظ صلح بر عوامل زمینه ای اجتماعی و اقتصادی که خشونت را حفظ می کنند تمرکز یابد. مبارزه با فقر، تقویت دموکراسی و حقوق بشر همچنین ایجاد و حفظ آرامش اهدافی هستند که با یکدیگر در هم تنیده‌اند.

ما باور داریم که کل سیستم سازمان ملل متحد باید اصلاح شود تا به یک سازمان تصمیم گیری جهانی دموکراتیک که شرایط جهان امروز را بهتر منعکس می‌کند دست پیدا کنیم. سازمان ملل متحد باید در گفت و گوی فعال با جنبش های مردمی جهانی بازیگری پیشرو برای حقوق بشر، مبارزه با فقر و آب و هوا و همچنین کار با محیط زیست باشد.

کمک های سوئدی باید حداقل یک درصد از درآمد ناخالص ملی باشد. همکاری برای توسعه باید بر منابع خود کشورهای در حال توسعه استوار باشد و از رشد نهادهای دموکراتیک و جامعه مدنی قوی، هم به صورت محلی و هم در سطح جهانی حمایت کند.

سوئد می‌خواهد پناهگاهی امن برای افرادی که مجبور به فرار از آزار، تعقیب و خشونت می‌شوند ارائه دهد. ما می‌خواهیم یک مهاجرت سخاوتمندانه و تنظیم شده داشته باشیم. همه مقامات محلی مسئولیت قبول پناهندگان را دارند و تمام تلاشها باید با این هدف باشد که کار و تأمین شخصی، حق آموزش و پرورش و مسکن شخصی را ممکن سازد.

## جهانی شدن و عدالت

به منظور پاسخگویی به بزرگترین چالش های نسلمان ما باید فرای مرزهای ملی همکاری کنیم. اگر چه بسیاری از وظایف به طور سنتی به عنوان سیاست داخلی در نظر گرفته شده است، مانند سیاست اشتغال و سیاست مبارزه با جرم و جنایت، نیاز به میزان فزاینده‌ای از این است که ما با هم یکی شویم.

سازماندهی سیاسی و سندیکایی همواره سلاح موثری علیه منافع سرمایه بوده است. وزنه مقابل سرمایه داری جهانی امروز در یک کار آگاهانه و هماهنگ سیاسی و سندیکایی با حمایت یک جامعه مدنی قوی نهفته است.

بخش مرکزی این کار این است که در سازمان های مختلف بین المللی ترویج یک چارچوب اقتصادی جهانی را کرد که بر احترام به دموکراسی، عدالت اجتماعی و توجه به محیط زیست بنا شده باشد. موافقتنامه های تجارت آزاد، موافقت نامه های بین المللی محیط زیست و پیمان های حقوق کار ابزار مهمی هستند.

همچنین توسعه ابزاری که موجب افزایش ثبات سیستم مالی بین المللی، مانع پیش‌بینی‌های کوتاه مدت و به نفع سرمایه گذاری بلند مدت باشد لازم است. یک مالیات جهانی بر فعالیتها و یا معاملات مالی یک چنین ابزاری است.

شرایط خوب کاری، مزد منصفانه و مسئولیت جامعه اطراف چیزهایی هستند که باید در راه‌های مختلفی بطور همزمان بوجود آیند. برای آن نیاز به همکاری اتحادیه‌ای گسترش یافته فرای مرزها و در شرکت های بزرگ چند ملیتی، و همچنین حمایت فعال برای سازماندهی اتحادیه‌ای در کشورهای فقیر می‌باشد. کنوانسیون هسته سازمان کار بین‌المللی و موافقت نامه‌های جهانی بین طرفها، وزنه مقابل مهمی در برابر مطالبه‌های نرخ بازدهی کوتاه مدت هستند.

واکنش مصرف کننده‌های فعال در مقابل شرکت هایی که قوانین را نقض می‌کنند می‌تواند بطور قابل توجهی به بهبود شرایط کاری جهانی کمک نماید. برای چنین نظارت مصرف کننده‌ای جنبش های مردمی نقش مهمی ایفا می‌کنند. نظارتی سیستماتیک تر بر شرکت‌های چند ملیتی و یک هماهنگی بین اتحادیه‌های کارگری و فعالیتهای مصرف کننده‌گان باید مورد تقاضا قرار گیرد. سرمایه نهادها باید در امور مربوط به حقوق کار، تعهدات اجتماعی شرکتها و مسئولیت‌هایشان در مورد محیط زیست فعال باشند.

به منظور دستیابی به توسعه‌ای بطور طویل‌مدت پایدار، ما می‌خواهیم برای یک توافق جهانی بین کار و سرمایه اثر کنیم. یکچنین قرارداد جامع جهانی باید دارای یک چارچوب روشنی برای آینده روابط بین کارفرمایان و کارگران باشد و مسئولیتهای طرفها را در توسعه اجتماعی و زیست محیطی پایدار بدقت روشن نماید.

تجارت آزاد یکی از ابزارهای مهم برای ترویج توسعه اقتصادی جهانی است، اما این مستلزم قواعد عادلانه در سیستم تجارت بین المللی است. موافقت نامه های تجاری نباید به ابزاری برای علائق قوی سرمایه در مقابل کشورهای فقیر تبدیل شود، و همینطور به حذف کشورهای فقیر از بازارهای جهان ثروتمند منتهی نگردد.

موافقت نامه های تجاری بین المللی باید با موافقت نامه های بین المللی زیست محیطی منطبق باشند. آنها همچنین باید با توافقنامه های بین المللی محیط کار و حقوق نیروی کار هماهنگ شوند.

## مسئولیت زیست محیطی و توسعه پایدار

مسائل زیست محیطی و اقلیمی جهانی است. مدیریت عاقلانه از منابع زمین برای آینده بشریت ضروری است. توسعه اقتصادی باید در هماهنگی با محیط زیست پایدار باشد، اگر نسل های آینده قرار است در جهانی با هوای تازه و آب تمیز، آب و هوای پایدار و تنوع زیستی زندگی کنند. اما منابع طبیعی و محیط زیست، امروز بیش از حد پایداری دراز مدت، بهره برداری می‌شوند و در صورتی که این رشد نتواند متوقف شود فروپاشی زیست محیطی تهدید می کند.

تنظیم های لازم برای توسعه محیط زیست پایدار، مسئولیتی برای کل جامعه بین المللی است اما کشورهای ثروتمند، که امروز اکثریت قریب به اتفاق تولید گازهای گلخانه ای را به خود اختصاص داده‌اند باید پیش قدم شوند.

ما سوسیال دموکراتها این را به عنوان وظیفه خود می‌بینیم که ابتکار عمل را بدست بگیریم و هم در سوئد و هم در سطح بین المللی سرعت عمل بخرج دهیم. سوئد باید در تلاش برای یک توافق جدید جهانی آب و هوایی و برای سیاستی از طرف اتحادیه اروپا برای توسعه پایدار، فعال باشد و همچنین در سیاست آب و هوای ملی خود پیشگام باشد.

نیاز کلی این است که جریان تولید، بخش مسکن و سیستم انرژی و حمل و نقل را به سمت صرفه‌جویی و کارآمدی در منابع و امکانات سر و صورت تازه‌ای بدهیم، به شکلهائی که با الزامات عدالت

اجتماعی سازگار باشد. این امر مستلزم کاهش بسیار قابل توجهی در مصرف امروز منابع و در نتیجه تغییرات هم در نقش تولید و هم مصرف است. بدین جهت نیاز به یک چشم انداز جدید از ثروت، عقلانیت اقتصادی، مسیرهای جدید در برنامه ریزی شهری و توسعه شهری، موافقت نامه های جهانی و مسئولیت های فردی برای مصرف شخصی می باشد.

در نظر گرفتن خواسته های محیط زیست باید از ابتدا در فرایند تولید اعمال شود. منابع طبیعی باید موثرتر استفاده شوند و تولید انرژی ترتیب مجدد داده شود. تنوع زیستی باید حفظ شود. سیاست کشاورزی باید برای برآوردن الزامات مورد نیاز برای کشاورزی از لحاظ زیست محیطی پایدار و مواد غذایی مطمئن طراحی شود.

سیستم های حمل و نقل باید بیشتر به عابر پیاده، دوچرخه و حمل و نقل عمومی تغییر داده شود، و همچنین حمل و نقل کالا از جاده به حمل و نقل ریلی و ترافیک دریایی منتقل شود. به طور همزمان تلاش برای توسعه موتورهای سوخت کارآمد، سوخت های جایگزین و فن آوری پاکسازی بهتر لازم است. همه اثرات زیست محیطی از نظر تولید گازهای گلخانه ای و مواد زائد باید به حداقل برسند.

سیستم انرژی ما باید مورد تغییر و تحول قرار گیرد. انرژی سازگار با محیط زیست و تجدید پذیر باید جایگزین هر دو سوخت های فسیلی و انرژی هسته ای شود. این امر مستلزم تلاش برای توسعه منابع انرژی جایگزین و سرمایه گذاری در راه کارآمد تر کردن استفاده از انرژی جهت کاهش مصرف کل است.

انتقال به توسعه ای از لحاظ محیط زیستی پایدار یک نیروی محرکه قوی برای رشد اقتصادی است، چراکه این ایجاد تقاضا برای فن آوری صرفه جویی کننده در منابع، راه حل های حمل و نقل جدید و شکل های جدیدی از تولید انرژی را می کند. این انتقال به ترتیبی عملی خواهد شد که به افزایش بیکاری و ناامنی اجتماعی منجر نشود. این نیاز به یک خط مشی زیست محیطی استراتژیک، که در آن ابتکارات پژوهش، قانونگذاری و روشهای مختلف هدایت اقتصادی ابزار اصلی هستند دارد. با سرمایه گذاری هدفمند در توسعه پایدار و در همکاری بین نهادهای دولتی و بخش بازرگانی و صنعت، سوئد نیز می تواند نقش پیشرو به عنوان صادر کننده فن آوری های جدید مقرون به صرفه انرژی و سازگار با محیط زیست و شکل های جدیدی از تولید انرژی را ایفا کند.

## اروپائی اجتماعی و دموکراتیک

سوئد به دلایل خوبی عضو اتحادیه اروپا است: اتحادیه اروپا یک نیروی وحدت بخش برای صلح و دموکراسی سیاسی در این قاره است که در قرن گذشته توسط جنگ ویران شده و از دیکتاتورهای

سیاسی متحمل رنج شده است. همکاری در اتحادیه می تواند شرایط بهتری برای کشورهای عضو جهت مقابله با چالش های سیاسی و اقتصادی آینده فراهم کند. اتحادیه اروپا می تواند به یک بازیگر قویتر جهانی برای پیشرفت و توسعه و حقوق بشر تبدیل شود.

برای اینکه تمام فرصت هایی که در همکاری اروپائی قرار دارد بکار گرفته شود، هم به یک مسیر جدید برای سیاست مشترک و هم به تغییر در سازمان اتحادیه اروپا نیاز است. مشکلات اقتصادی و اجتماعی در پی بحران واحد ارز اروپائی نباید جلوی توسعه مابقی همکاریها در اتحادیه اروپا را بگیرد. ما سوسیال دموکراتها می خواهیم اتحادیه اروپا به یک اتحادیه برای عدالت اجتماعی، اشتغال کامل و توسعه پایدار تبدیل شود.

ما اعتقاد به اصول حرکت آزاد کالا، افراد، خدمات و سرمایه داریم. آزادی شرکتها در بازار داخلی با این حال نباید هرگز به هزینه اصولی چون رفتار برابر با کارگران و پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تمام شود. بنابراین، بازار داخلی باید با یک چارچوب مشخص قانونی مجهز شود، که ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی را مورد توجه قرار دهد.

ما می خواهیم یک سیاست اروپائی برای اشتغال کامل توسعه دهیم که بر اساس احترام به حقوق مزدبگیران و جلوگیری از دامپینگ اجتماعی (دامپینگ اجتماعی = رقابت شرکتها از راه کاستن مخارج نیروی کار که منجر به پائین آمدن دستمزدها و بدتر شدن شرایط کاری می شود) بنا شده باشد. حرکت آزاد در بازار داخلی اتحادیه اروپا باید توسط حق مزدبگیران برای ترویج سندیکائی فرامرزی و قواعد مشترک برای حداقل مزد در اتحادیه اروپا برای حمایت از حقوق کارکنان متعادل شود.

به عنوان مسیری در راه انتقال به توسعه ای از لحاظ زیست محیطی پایدار و تلاش برای کاهش مصرف منابع از طرف کشورهای ثروتمند باید خط مشی زیست محیطی اتحادیه اروپا بیشتر توسعه یابد. الزامات سختگیرانه تری در مورد انتشار اثرات زیست محیطی، سطح مشترک حداقل مالیات کربن و کمک های مالی مشترک در سرمایه گذاری زیست محیطی به این مبحث تعلق دارد. جهت گیری مجدد در سیاست های کشاورزی و شیلات نیز به همین دیدگاه مصرف کننده و نه منافع تولید کنندگان، باید نقطه شروع برای سیاستی باشد که در آن ایمنی مواد غذایی، توجه به محیط زیست و دامداری اخلاقی از اصول اساسی می باشند.

ما می خواهیم اتحادیه اروپا نیروی محرکه ای در کار همبستگی بین المللی باشد، هم از طریق گسترش همکاری های توسعه ای خود با کشورهای فقیر و هم با حذف موانع تجاری خودش.

ما باور داریم که اتحادیه اروپا باید مسئولیت مشترک برای مسائل پناهندگی و مهاجرت را بعهده بگیرد. همه کسانی که تقاضای پناهندگی در اتحادیه اروپا را دارند باید تضمین به رفتار برابر تحت همبستگی و اصول بشردوستانه شوند.

اتحادیه اروپا می‌تواند بیش از این نقش خود را در کار اروپا برای برابری بیشتر به عنوان جلو برنده قوانین ملی و در تشکیل افکار عمومی متضمن گردد. به همین ترتیب اتحادیه اروپا می‌تواند تبدیل به یک نیروی محرکه در موضوع حقوق کودکان شود. جرم و جنایت فرا ملی یک مشکل مشترک در اتحادیه اروپا است و نیاز به یک همکاری گسترده دارد.

اتحادیه اروپا باید به توسعه در زمینه‌هایی که می‌تواند بهترین راه حل برای چالش‌های مشترک را ایجاد کند ادامه دهد. اصل به اصطلاح «ساب سی دایریتی» باید دنبال شود. بمعنی اینکه تصمیم‌گیری باید تا آنجا که ممکن است مؤثر و نزدیک به شهروندان گرفته شود. فقط تصمیماتی که که نیاز به هماهنگی و تنظیم در سطح اروپا دارد باید توسط اتحادیه اروپا گرفته شود. برای اینکه این همکاری مؤثر باشد، لازم است که کشورهای عضو برخی از قدرت‌های خود را به سازمان تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا بسپارند. با این حال این مهم است که هر گونه انتقال قدرت توسط کشورهای عضو تعیین شود.

ما سوسیال دموکراتها می‌خواهیم اتحادیه اروپا بازتر و دموکراتیک‌تر باشد. قدرت سیاست باید افزایش یابد هم در رابطه با قدرت اقتصادی و هم در ارتباط با قانون. تعهدات برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌تواند بر قانون مشترک بنا شود، اما همچنین بر تصمیم‌گیری در اهداف مشترک که در آنها کشورهای عضو در انتخاب مسیر خود برای رسیدن به اهداف آزاد هستند ساخته شود. کشورهای عضو نیز باید قادر به پیش قدم شدن باشند خصوصاً در قانون محیط زیست و نیروی کار. ما می‌خواهیم اتحادیه اروپا یک همکاری اروپائی بین دولت‌های ملی باشد و ایده‌های تبدیل اتحادیه اروپا به یک دولت فدرال را رد می‌کنیم.

در ردیف همکاری فرامرزی اروپا، همکاری بین کشورهای شمال اروپا قرار دارد. چیزی که به جهات مختلفی منحصر به فرد است. این یکی از قدیمی‌ترین همکاری‌های منطقه‌ای در جهان است. این در ارتباط است با بسیاری از مناطق اجتماعی و منجر به ادغام عمده اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده است. چیزی که بر اساس موافقت نامه‌هایی بین کشورهای مستقل بنا شده است که مسیرهای مختلف برای دیگر تعهدات بین‌المللی خود انتخاب کرده‌اند. ساخته و تکمیل شده توسط یک همکاری گسترده در جامعه مدنی. یک بخشی که همواره مرکزی از فعالیت‌های سیاسی و سندیکائی جنبش کارگری بوده است.

ما می خواهیم همکاریهای شمال اروپا را برای دیدار با چالش های مشترک ناشی از جهانی شدن و تغییرات آب و هوایی توسعه بدهیم. همراه با دیگر کشورهای شمال اروپا، ما می خواهیم به توسعه و تقویت مدل رفاه شمال اروپا بپردازیم.

## عدم تعهد نظامی و سیاست خارجی فعال

سیاست امنیتی سوئدی هدفش حفظ صلح و استقلال کشور مان، به منظور حفاظت از ثبات در منطقه ما و به منظور کمک به تقویت امنیت بین المللی است.

سوئد باید فاقد اتحاد نظامی باشد. عدم اتحاد نظامی یک ابزار مهم سیاست امنیتی است. این به ما آزادی عمل می دهد که یک سیاست مستقل را در وضعیت بحرانی دنبال کنیم و به ما امکانات قویتری در تلاش فعالانه برای خلع سلاح جهانی می دهد. این به ما این حق را می دهد اندازه و تمرکز دفاعی مان را بر اساس ارزیابی سیاست امنیتی خودمان شکل دهیم. در واقع دفاع نظامی ما برای محافظت از نظم اجتماعی دموکراتیک خودمان است.

اما عدم تعهد نظامی بمعنی انفعال نیست. سوئد به حفظ صلح و امنیت بین المللی متعهد است. ما در عملیات حفظ صلح مورد حمایت سازمان ملل متحد شرکت می کنیم و هنجار جدید سازمان ملل متحد در مورد وظیفه یک ملت برای حفاظت از جمعیت خود را تایید می کنیم. از طریق عضویت در اتحادیه اروپا، ما به طور کامل در سیاست مشترک خارجی و امنیتی شرکت می کنیم. سوئد همچنین به بند همبستگی اتحادیه اروپا پیوسته است. این به این معنی است که سوئد در صورت وقوع فاجعه و یا حمله به یک کشور اتحادیه اروپا و یا یک کشور شمال اروپا منفعلا نه عمل نخواهد کرد، و ما انتظار داریم این کشورها نیز اگر سوئد دچار این مصائب شود به همان شیوه عمل کنند.

سوئد به یک نقش فعال به عنوان میانجی، یک سازنده پل و شریک گفت و گو در درگیری های بین المللی ادامه خواهد داد. در مبارزه با سلاح های کشتار جمعی، سوئد بار دیگر باید نقش پیشرو در تلاش های بین المللی برای تنش زدایی، خلع سلاح و عدم اشاعه را بعهده بگیرد.

تهدید بزرگ برای امنیت در درجه اول دیگر جنگ بین ملت ها نیست. تهدید از انواع دیگر می باشد: درگیری در داخل ملتها، سوء استفاده از حقوق بشر، تروریسم و خشونت علیه نهادهای دموکراتیک و اختلال در زیرساخت های حیاتی مانند برق، آب و ارتباطات است.

ما می بینیم که این خطرات در جوامع با نابرابری های اجتماعی رو به رشد افزایش می یابد. این تهدیدات فراتر از مرزهای ملی می رود و نیاز به یک رویکرد سیاست امنیتی گسترده تر دارد، که بر اساس همکاری های بین المللی با صورت دیگری غیر از نظامی بنا شده باشد و در آن امنیت انسانی نسبت به منافع ملی و اقتصادی ارجحیت دارد.

## کار و رشد اقتصادی

اشتغال کامل هدف کلی از سیاست های اقتصادی سوسیال دموکراتیک است. این هم یک هدف اجتماعی و هم اقتصادی است. این مانع عدم آزادی ناشی از بیکاری می شود و همگان را در ایجاد رفاه سهیم می سازد.

فقط با اشتغال کامل و استفاده از تمامی ظرفیتهای ما می توانیم به دیدار چالش های جمعیتی آینده برویم. بنابراین سیاست رشد سوسیال دموکراتیک قصد دارد ایجاد شرایط مطلوب برای کار انسانها، خلاقیت و کارآفرینی در سراسر کشور نماید.

صنعت تولید و بخش خدمات، هر دو خصوصی و دولتی، متقابلاً به یکدیگر وابسته اند. ما سوسیال دموکراتها می خواهیم هم صنعت ساخت نوآورانه و هم بخش خدمات در حال رشد را مشاهده کنیم. هر دو باید به مشاغل بیشتر، صادرات بالاتر، رشد فزونی و از لحاظ زیست محیطی توسعه پایدار تر بیانجامند. هر دو باید مدل بازار کار سوئدی را مبدأ قرار دهند و تضمین دهند که شرایط کارکنان را خراب نمی کنند. بدین ترتیب قدرت رقابت سوئد تقویت می یابد.

اقتصاد جهانی درخواست سیاست اشتغال کامل را افزایش می دهد. در رقابت تشدید شده بین المللی سوئد باید با دانش رقابت کند. چالش ما این است که به طور مستمر بهبود یابیم و در خط مقدم توسعه ایده کسب و کار جدید، سیستم های تولید، محصولات و خدمات قرار گیریم.

به سرمایه گذاری های بزرگ در آموزش، پژوهش و توسعه حرفه ای و همچنین سیاست های فعال بازار کار نیاز است. چیزی که مستلزم تعهد متمرکز توسط دولت در توسعه نوآوریهای هم فنی و هم اجتماعی است. برای آن نیاز به همکاری استراتژیک بین بخش دولتی، بخش خصوصی، اتحادیه های کارگری و مدارس عالی برای تحریک توسعه صنایع دانش محور و کسب و کار در هر دو صنعت و خدمات است. همکاری بین پژوهش در دانشگاه ها و در صنعت باید گسترش یابد و کسب و کار را تشویق به انجام تحقیق و توسعه در سوئد نماید. همچنین شرکت های کوچک و متوسط باید قادر به سهیم شدن در تحقیق و توسعه باشند.



کسب و کار موفق نیاز به یک زیرساخت با عملکرد خوب دارد. نیاز به سرمایه گذاری قابل توجه در گسترش حمل و نقل عمومی، جاده ها و راه آهن است، هم برای ترویج توسعه بازار کار منطقه ای و هم جهت تسهیل نیاز بازرگانی و صنعت به حمل و نقلی سریع و امن. عملکرد خوب سیستم های حمل و نقل و ارتباطات در سراسر کشور همچنین یک شرط لازم برای رشد متوازن منطقه ای است.

امور مالی عمومی قوی و سالم شرط لازم برای هم رشد و هم رفاه است. سیاست های اقتصادی باید همزمان برای تحریک سرمایه گذاری و تقاضا مورد استفاده قرار گیرند. چیزی که باید ابزار سیاست فعال برای موقعیت بازار باشد تا اقتصاد را در شرایط داغ شدن بیش از حد بازار کند و در شرایط رکود تحریک کند.

مهم ترین وظیفه نظام مالیاتی تامین مالی رفاه ما و سرمایه گذاری های لازم برای آینده می باشد. یک اصل اساسی باید این باشد که دریافت های مالیاتی که به رفاه کمک می کنند در امر رفاه نیز استفاده شوند. مالیاتها باید استمراری باشند و با در نظر گرفتن توان و کشش گرفته شوند و خدمات رفاهی باید با توجه به نیاز توزیع شوند. نظام مالیاتی همچنین باید منجر به صنعت و بازرگانی کارآمد و توزیع عادلانه منابعی که بخش تولیدی ایجاد می کند گردد. سادگی و وضوح در قوانین، پایگاه های مالیاتی گسترده و اینکه همه درآمدها و مزایای پرداختی توسط دولت به یک اندازه مشمول مالیات شوند اصول اساسی است.

یک سیستم رفاه عمومی که به خوبی کار کند شرط لازم برای یک اقتصاد قوی با قابلیت رقابت بین المللی بالا می باشد. هنگامی که مردم بیشتری آموزش ببینند قدرت اقتصاد رشد می کند. سیاست فعال بازار کار پیدا کردن شغل جدید برای بیکاران و پیدا کردن کارکنان با مهارت های لازم را برای کارفرمایان آسان تر می کند. یک حق بیکاری امن بدان معنی است که مردم با اطمینان می توانند با تغییرات ساختاری که در یک اقتصاد باز کوچک به ویژه مهم است برخورد کنند. این فرصت ایجاد می کند برای انتخاب های جدید که یک آموزش جدید و یا یک کار جدید را امتحان کرد.

لذا هزینه های رفاه باید به عنوان سرمایه گذاری در منابع انسانی، به همان اندازه برای نوسازی جامعه مهم در نظر گرفته شوند که سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه، در فناوری های جدید و در زیرساخت های نو مهم اند.

تمامی بخش تولیدی باید برای استفاده از ایده های غنی و استقلال همه فعالین، هم کارکنان و هم کارآفرینان ساخته شود. قوانین برای عملیات کسب و کار باید روشن و شفاف باشند. تحقیق و توسعه باید تحریک شوند. شرکتهای جدید، کارآفرینی و تعاونی و کارآفرینی اجتماعی باید تشویق شوند. قانونگذاری موثر در امر رقابت باید با انحصارات و تمرکزطلبی مقابله کند. اتحادیه های قوی برای مطالبه منافع مشترک کارکنان در مورد دستمزد، محیط کار، ساعات کار و شرایط اشتغال لازم است.

«توافق جمعی» یک شرط ضروری برای مشروعیت قواعد بازی در زندگی کاری و برای صلح کاری است. یک قانونگذاری قوی حق کار برای حفاظت از کارکنان مورد نیاز است.

زندگی کاری باید تلاش همه را عادلانه ارزش نهاده و مورد احترام قرار دهد. همه کارکنان باید حق شرایط کاری خوب، امرار معاش امن و نفوذ در کار خود را داشته باشند. همه کارکنان باید فرصت پیشرفت حرفه ای و ادامه آموزش را دارا باشند.

مردان و زنان باید حق یکسان در امرار معاش خود و در زندگی حرفه ای پیشرفت کننده داشته باشند. آنها باید امکانات در مسئولیتهای یکسان برای خانه، خانواده و کودکان را داشته باشند و به طور مساوی کار خانگی بدون مزد را تقسیم کنند. این مستلزم یک زندگی کاری است که ترکیب کار با خانواده را ممکن می سازد، همچنین مستلزم یک بخش مراقبت به خوبی توسعه یافته از کودکان و یک بیمه والدین دولتی که به پدر و مادر فرصت های برابر برای مسئولیت پدر و مادری می دهد است.

برای برآمدن از پس امر رفاه در زمانهای آینده لازم است تعداد ساعات کار در کل افزایش یابد. این مستلزم آن است که نرخ بیکاری پایین آورده شود و هر کسی که در حال حاضر نیمه وقت کار می کند موقعیت کار تمام وقت به او ارائه گردد. چیزی که نیاز به یک محیط کاری دارد که به ترویج بهداشت و سلامتی همت می گمارد. و این بدان معنی است که کسانی که مایل و قادر هستند این فرصت را داشته باشند که حتی پس از بازنشستگی به کار خود ادامه دهند.

این نیاز اساسی برای ساعات کاری بیشتر در تناقض نیست با نیاز برای ساعات کاری که بیشتر متناسب و فردی است. بر عکس، انعطاف پذیری بیشتری می دهد برای امکان سازگاری زمان کار با شرایط مختلف انسانها و شرایط زندگی متفاوت، امکان اینکه افراد بیشتری فرصت فعال باقی ماندن در زندگی کاری را برای یک دوره طولانی تر از زندگی بیابند. هر کس باید حق تسلط بر ساعات کار خود را داشته باشد. ما می خواهیم ساعات کار را کاهش دهیم به شکلی که این تسلط شخصی را افزایش دهد و این امکان را برای کارکنان بوجود بیاورد که زمان کار خود را بین دوره های مختلف از زندگی تقسیم نمایند.

همه یک علاقه مشترک دارند در اینکه تمامی کشور بتواند زندگی کند و توسعه یابد. یک توسعه برابر منطقه ای مشاغل بیشتری را فراهم می کند، از امکان استفاده بهتر از دارایی های مختلف کشور سود می برد و منجر به ایجاد منابع بیشتری برای رفاه مشترک می شود. لذا تمامی مناطق باید فرصتهای خوبی برای اشتغال، کار آفرینی و آموزش ارائه کنند، و شرایط زندگی خوبی را عرضه نمایند. این مسئولیتی ملی است جهت برقراری شرایط اساسی برای رشد از طریق زیرساختهای به خوبی توسعه یافته و پخش یکسان مراکز دانش در سراسر کشور.

## دانش و فرهنگ

دانش و فرهنگ ابزاری برای آزادی شخصی انسانها و برای توسعه هستند. اما آنها همچنین وسیله‌ای برای توسعه جامعه و رفاه مشترک ما هم هستند. آنها واحد اندازه‌گیری عزت جامعه هستند. دانش و فرهنگ این فرصت را به انسانها می‌دهد که چشم انداز خود را گسترش دهند و افکار و خلاقیت خود را آزاد سازند. این قابلیت آزاد کنندگی و زنده‌مقابله ضروری در برابر تلاش اقتصادی و اجتماعی نخبگان برای به دست گرفتن کنترل ذهن ما است.

باز کردن دربهای دانش برای همه جهت شکستن الگوهای طبقاتی ضروری است. دانش و مهارت به طور فزاینده‌ای ابزارکاری می‌شوند که تعیین‌کننده فرصت‌های شغلی فرد است. تفاوت‌های زیاد در دانش باعث افزایش شکافها در زندگی کاری و در نتیجه در جامعه می‌شود.

نظم جدید تولید که از طریق پیشرفت‌های تکنولوژیکی در حال ظهور است و توسط جهانی شدن تسریع می‌گردد بسیار مدیون مدیریت اطلاعات است. جریان اطلاعات هرگز به گسترده‌گی امروز نبوده است. اما دانش واقعی فقط در مورد دسترسی به اطلاعات نیست، بلکه به همان اندازه در مورد توانایی تفسیر آن است. همه مبادله دانش باید ابزاری بدهد که به طور مستقل اطلاعات را تفسیر و ارزیابی کند، زمینه‌های اجتماعی را ببیند و بین حقایق و ارزش‌ها تمایز قائل شود. در این کار، آموزش غیر انتفاعی مردم نقش مرکزی دارد.

سوسیال دموکراسی می‌خواهد یک جامعه دانشی واقعی بسازد، بنا شده بر هم آموزش و هم پرورش، باز و قابل دسترس برای همگان در شرایط مساوی. این امر مستلزم سیاستی است که نیاز به آموزش و پرورشی خوب برای همگان را پیوند می‌زند به یادگیری مادام‌العمر با تلاش در اینکه همه در زندگی فرهنگی سهم باشند.

کیفیت بالا، نیاز اساسی همه آموزشها است. چیزی که مستلزم آموزش و پرورش خوب معلم و پژوهش آموزشی که منجر به توسعه روش‌های تدریسی می‌شود دارد. آموزش و پرورش یک تلاش تیمی است که باید بر اساس احترام هم به نقش تحریکی معلم جهت کسب دانش و هم به تمایل دانش‌آموزان برای مسئولیت‌یادگیری خود بنا شود. دانش‌آموزان چه کودکان و چه بزرگسالان باید حق برخورداری از محیط‌کاری امن و تصمیم‌گیری بر کار خود را دارا باشند.

امروز همه همان حق تحصیل را دارند، اما فرصت‌های واقعی هنوز هم از لحاظ اجتماعی محدود شده هستند. بنابراین، درخواستهای بالا بر بخش آموزش و پرورش کل گذاشته می‌شود که برای شکسته شدن

الگوهای اجتماعی و جنسیتی اقدام کند. این امر مستلزم محیط های یادگیری بدور از قلدری، آزار و اذیت جنسی، نژاد پرستی و بیگانه ستیزی است.

انتخاب آزاد مدرسه به دانش آموزان این فرصت را می دهد که از میان مدارس با جهت گیری های مختلف انتخاب کنند. این امکان برای تأکید بر حق هر فرد برای توسعه علائق و استعداد های خود، برنامه ریزی زندگی خود و شکل دادن زندگی خود بر اساس خواسته های خود در نظر گرفته شده است. اما انتخاب آزاد مدرسه به تقویت جدا سازی نژادی می انجامد و شکاف بین دانش آموزان با امکانات قوی و امکانات ضعیف را افزایش می دهد. این باید توسط تقسیم منابع جامعه مقابله شود به طوری که به تمام دانش آموزان امکانات برابر برای دانش و رشد شخصی داده شود. مدارس متحد که در آنها کودکان از محیط های مختلف و با زمینه های مختلف با هم در کار مشترک برخورد می کنند، یک ابزار مهم برای یک جامعه با مساوات است. شهرداریها باید تاثیر قطعی بر تشکیل موسسات تحصیلی جدید را داشته باشد.

مهد کودک پایه یادگیری مادام العمر را تشکیل می دهد. مهد کودک با کیفیت آموزشی بالا ابزاری مهم برای مبارزه با تفاوت طبقاتی در دانش در دوره های بعدی زندگی است. همه دانش آموزان باید اهداف برنامه درسی را زمانی که آموزش ابتدایی خود را تمام می کنند تکمیل کرده باشند. دبیرستان باید امکان انتخاب جهت گیری آموزش در سمت علاقه خود را ارائه کند، اما در همان زمان باید به همگان هسته مواد درسی عمق یافته که برای برخورد با خواسته های جامعه امروز و زندگی کاری مورد نیاز است را ارائه کند. استخدام نامطلوب اجتماعی برای مدارس عالی باید قطع شود، همچنین استخدام نامطلوب جنسی برای مطالعات تحقیقاتی. تحصیلات ابتدایی و متوسطه باید رایگان باشند و همچنین آموزش عالی باید تحت مدیریت اجتماعی باشد. در دراز مدت، این باید در مورد مهد کودک نیز اعمال شود.

رشد سریع دانش امروز بدین معنی است که آموزش و پرورش نمی تواند فقط محول به زمان نوجوانی شود. آموزش روندی در طول زندگی می شود که طی آن دوره هایی از کار حرفه ای با دوره های تحصیلی تعویض می شوند. بخش آموزش و پرورش و سیستم بودجه آموزشی باید برای این امر تنظیم شوند. همه بزرگسالان، در تمام زمینه های اشتغال، باید فرصت برای آموزش سریع و ادامه آموزش را داشته باشند. توجه ویژه باید به کسانی که آموزش و پرورش پایه ای کوتاه داشته اند مبذول شود.

تحقیق اساس توسعه دانش هم در جامعه و هم در زندگی کاری را تشکیل می دهد. برای حفظ و تقویت موقعیت سوئد به عنوان یک جامعه پیشرو در دانش نیاز به تلاش قابل توجهی از طرف هم دولت و هم بخش صنعت و بازرگانی است. تحقیقات مختصر و چند رشته ای باید تحریک و سطوح ارتباط بین پژوهش های فنی و انسانی گسترش یابد. دولت مسئولیتی خاص برای تضمین آزادی تحقیق و اطمینان تحقیقات پایه دارد.

جامعه‌دانشی واقعی نیاز به یک سیاست فرهنگی فعال دارد. فرهنگ ذهن ما را برای تأثیرها و امکانات جدید باز می‌کند. چیزی که حس کنجکاوی را تحریک و ایجاد محیط‌های خلاق می‌نماید. ما می‌خواهیم فرهنگ حضور بیشتر و اکسیژن‌رسانی بیشتری در زندگی همگان داشته باشد. که همگان در هسته زندگی فرهنگی سهیم باشند - امکان آزاد کردن قدرت فکری شخصی - یک وظیفه مرکزی برای دموکراسی است، هنگامی که یک کنترل رو به رشد تجاری بر رسانه‌ها و تهیه اطلاعات تهدید می‌کند که منجر به یکنواختی و محدودیت فکری گردد.

وظیفه سیاست فرهنگی کنترل هنر نیست. بلکه برعکس باید آزادی هنر و هنرمندان را تضمین کند. بخش مهمی از آن حفظ حق کپی هنری است. جامعه باید زندگی فرهنگی را حمایت کند و به هنرمندان مشغول به کار در تمام اشکال هنری فرصت‌های واقعی برای پیشرفت و دیدار با مخاطبان خود را بدهد. کار سیاست فرهنگی این است که تعبیرات مختلف هنری را در دسترس همگان، کودکان و بزرگسالان در سراسر کشور قرار دهد. و این تحریک خلاقیت فرهنگی شخصی و مشارکت فرهنگی را منظور دارد.

فن آوری ارتباطات دیجیتال فرصت‌های جدید برای برخورد بین هنر و مخاطبان ایجاد می‌کند. امری که راه‌های جدید برای انجام دهندگان هنر باز می‌کند و به مخاطبان دسترسی تقریباً بی‌حد و حصر به فیلم، موسیقی، تئاتر، ادبیات، هنر و آرشیو از سراسر جهان ارائه می‌کند.

امر توسعه، سیاست فرهنگی را در مقابل امکانات و چالش‌های جدیدی قرار می‌دهد. امکانات جدید در مورد مردم است که در سراسر کشور می‌توانند از هنر و فرهنگ با استاندارد ملی و بین‌المللی بالا بهره‌برند و چالش‌های جدید که جلوگیری شود از اینکه فن آوری اطلاعات منجر به یکنواختی تجاری، که در مقابله با تنوع فرهنگی و چندگونگی است گردد.

ما می‌خواهیم از طریق ارتباط توزیع فرامرزی فن آوری دیجیتال با سرمایه‌گذاری قوی در فرهنگ زنده به مقابله با چالش‌ها برویم. در نتیجه موسساتی برای زندگی فرهنگی و حرفه‌ای باید در سراسر کشور وجود داشته باشند. امری که در آن باید فضا و منابعی برای یک فرهنگ غنی آماتور نیز ارائه داده شود. فرهنگ باید محل ملاقات داشته باشد برای مکالمه و انعکاس، بدون خواسته بازگشت اقتصادی و بدون کنترلی که چنین خواسته‌ای همیشه مستلزم آن است. کتابخانه‌ها باید رایگان باشند. مدارس موسیقی و مدارس فرهنگی باید در دسترس تمام کودکان باشند.

موسسات فرهنگی و زندگی فرهنگی باید تنوع فرهنگی در سوئد امروز را منعکس کنند. در این باید تقویت و حمایت از امکانات اقلیت‌های ملی در حفظ و توسعه زبان و فرهنگ آنها نیز گنجانده شود.

رسانه‌ها نقش مهمی در آزادی تشکیل نظر و جریان آزاد اطلاعات ایفا می‌کنند. تمرکز قدرت در صنعت رسانه و بر روی اینترنت همچنین ارتباط فزاینده با صنعت سرگرمی اینطور عمل می‌کند که جریان اطلاعات به طور فزاینده‌ای یکنواخت می‌شود و در بخشهای بیش از اندازه زیادی بر مصرف منفعل به جای مشارکت اجتماعی ساخته می‌شود.

مقابله با تمرکز قدرت و حفظ تنوع باید عناصر مرکزی سیاست رسانه‌ها و تکنولوژی اطلاعات جامعه باشد. تحولات سریع تکنولوژیکی در زمینه رسانه‌ها، بازار رسانه‌ها را تغییر می‌دهد. رسانه‌های الکترونیکی رسانه‌های قدیمی را به چالش می‌طلبند و زمینه را برای بازیگران جدید باز می‌کنند، که می‌توانند چشم اندازه‌ها را گسترش دهند و انحصارات را به چالش بکشند. علاوه بر مقابله با تمایلات انحصاری در محیط رسانه‌های چاپ شده بر روی کاغذ، باید بخشی رو به رشد از تعهد جامعه بر تحریک تنوع در محیط الکترونیکی و تضمین حق همه به اخبار، اطلاعات واقعی و بحث گسترده عمومی قرار گیرد.

ما سوسیال دموکراتها از استقلال و آزادی شبکه‌های عمومی در رادیو و تلویزیون حفاظت می‌کنیم. آنها باید به عنوان رسانه‌های عمومی که در خدمت عموم هستند در مقابل علائق سیاسی، تجاری و غیره تضمین به استقلال شوند. آنها باید عاری از تبلیغات تجاری باشند و بودجه آنها باید در دراز مدت تضمین شده باشد.

توسعه فن آوری ارتباطات دیجیتال آزادی فردی را افزایش داده است. امری که راه تبادل آزاد اطلاعات و دانش جدید، روابط جدید و محل برخورد جدید را گشوده است. اما این توسعه مستلزم خطرات نیز هست. تمامیت شخصی تهدید می‌شود زمانیکه بازیگران تجاری و دیگر بازیگران از فن آوری برای نقشه‌برداری از علائق و عادات فردی استفاده می‌کنند. از فن آوری برای نقض حریم شخصی و تهمت پراکنی استفاده می‌شود. دموکراسی تضعیف می‌شود زمانی که نژادپرستها و دیگر گروههای غیر دموکراتیک نفرت خود را روی شبکه پراکنده می‌کنند و تلاش برای ارباب به سکوت افراد، روزنامه نگاران و سیاستمداران می‌کنند.

این وظیفه مطلق جامعه است که از آزادی و حریم خصوصی حفاظت کند و جلوگیری کند از اینکه از اینترنت برای اقترا، ابراز نفرت از گروههای مردمی، آزار و اذیت افراد و تهدید به خشونت استفاده شود.

## رفاه و امنیت

سیاست رفاه سوسیال دموکراسی بیان سه اصل آزادی، برابری و همبستگی است. رفاه ایجاد فواید هم فردی و هم اجتماعی می‌کند. آن ایجاد حقوق می‌کند، اما مطالباتی نیز برقرار می‌دارد.

اهمیت رفاه هم در آزادی و امنیت فردی و هم در انسجام اجتماعی که ایجاد می‌کند نهفته است. چیزی که همه را پوشش می‌دهد، بدون در نظر گرفتن درآمد. رفاه عمومی چیزی است که شهروندان در همبستگی آنرا به یکدیگر ارائه می‌کنند و در همبستگی به پرداخت آن کمک می‌کنند.

آموزش و پرورش، مراقبت بهداشتی و اجتماعی نقش محوری در توزیع امکانات در زندگی را دارند. بنابراین رفاه یک نگرانی اجتماعی است. دسترسی به آموزش، مراقبت بهداشتی و اجتماعی هرگز نباید توسط مکانیسم های قیمتی بازار تعیین شوند و عرضه آنها هرگز نباید توسط علاقه تولید کنندگان شخصی به منفعت مالی خودشان تصمیم گیری شود. و همچنین نباید مزایای بیمه های اجتماعی به سطح محصولاتی در یک بازار تنزل پیدا کنند، که در آن وظیفه جامعه تنها این خواهد بود که پول مالیات را برای خرید فردی توزیع کند. افزایش حضور بیمه های خصوصی در محدوده رفاه عمومی ایجاد تفاوت های غیر قابل قبول بین انسانها می‌کند. رفاه عمومی باید از چنان کیفیت بالائی برخوردار باشد و به چنان خوبی توسعه یافته شده باشد که چنین بیمه های مورد نیاز نباشند.

همه ساکنان کشور باید دسترسی برابر به آموزش و پرورش، مراقبت بهداشتی و اجتماعی داشته باشد. امری که مستلزم برابری مالیاتی شهرداری است به طوری که پایه مالیاتی مختلف، و تفاوت در ترکیب جمعیت منجر به تفاوت در رفاه بین شهرداری های مختلف نگردد.

روند توسعه جمعیت شناختی با یک نسبت رو به رشد افراد مسن یکی از پیشرفتهای بزرگ تأمین اجتماعی مدرن است؛ ما به عنوان انسانهای سالم و فعال طولانی تر زندگی می‌کنیم. اما این یکی از چالش های بزرگ جامعه رفاهی نیز هست. به منظور ارائه یک اقتصاد امن و یک مراقبت خوب به تمامی سالخوردگان مطالبات بزرگی بر روی یک سیستم بازنشستگی قوی و با ثبات و بر بودجه مشترک رفاه قرار می‌گیرد.

ما سوسیال دموکراتها می‌خواهیم همه حقوق برابر و امکانات برابر برای مشارکت در زندگی عمومی جامعه داشته باشند. بنابراین، ما می‌خواهیم جامعه ای ایجاد کنیم که در آن همه مردم، بدون در نظر گرفتن ظرفیت عملکردی از، حق کار، زندگی مستقل، آزادی حرکت کامل و یک زندگی فعال برخوردار باشند.

همه کودکان باید حق برخورداری از یک رشد و نمو امن و امان مطابق با توافقنامه کودکان سازمان ملل متحد را داشته باشند. مصلحت کودکان باید در تمام تصمیمات در نظر گرفته شود. همه کودکان و افراد جوان حق داشتن شرایط برابر و دوران کودکی مطمئن و عاری از مواد مخدر و خشونت را دارند.

ما سوسیال دموکراتها می‌خواهیم فعالیت‌های بخش عمومی مشترک را توسعه ببخشیم به طوری که آنها جوابگوی هم‌خواسته‌های کلاسیک برای عدالت و دسترسی برابر و هم‌خواسته‌های جدید در نفوذ و آزادی انتخاب باشند. انسانها مختلفند، با نیازها و شرایط مختلف. آنها باید امکان انتخاب از بین طرح‌های آموزشی مختلف، انواع مراقبتهای بهداشتی مختلف و گزینه‌های مراقبت‌های اجتماعی مختلف را داشته باشند. بنابراین، این یکی از وظایف مهم بخش دولتی است که گزینه‌های مختلف را توسعه دهد. برای رسیدن به تنوع گسترده‌تر باید شهرداریها و استانداردها حق داشته باشند به‌تعاونیها، گزینه‌های غیر انتفاعی و یا گزینه‌های خصوصی اجازه سهم داشتن در توسعه فعالیت‌های اجرائی عمومی را بدهند.

فعالیت‌های با بودجه مشترک باید استانداردهای بالا برای شرایط کاری خوب و امکان نفوذ و توسعه در کار را به انجام برسانند. اینجا فرصتهای زیادی وجود دارد جهت توسعه سایر مدل‌های مدیریت بخش دولتی تا مدل‌های تقلید شده از بازار که طی زمانی طولانی غالب بوده‌اند. آنها از تعهد و تخصص کارکنان استفاده خواهند کرد و جا برای آزمایش ایده‌ها و راه‌حلهای جدید باز می‌کنند. هم در بخش دولتی و هم در گزینه‌های مختلف خصوصی باید استقلال و خلاقیت تحریک شوند. عملیات باید با باز بودن و شفافیت نشان زده شوند. آزادی بیان و آزادی اظهار کارکنان نباید محدود شوند.

یک حمایت مالی خوب، زمانی که درآمد شخصی از میان می‌رود امری اساسی برای امنیت و آزادی فردی است. بیمه‌های اجتماعی باید بر اساس اصل عدم درآمد بنا شوند. سیستم‌های بیمه همگانی دولتی باید برای بازار کاری متناسب شوند که در آن عده بیشتری بین آموزش و کار جابجا می‌شوند و که در آن بسیاری کار را با کسب شخصی ترکیب می‌کنند.

تولید کم مسکن هزینه‌های مسکن را بالا می‌برد، تحرک در جامعه را کاهش می‌دهد، افزایش ازدحام بیش از حد در مساکن بوجود می‌آورد و از تهیه مسکن برای جوانان جلوگیری می‌کند. ما سوسیال دموکراتها مسکن را به عنوان یک حق اجتماعی و سیاست مسکن را به عنوان بخشی از سیاست رفاه می‌بینیم. بنابراین، به اعتقاد ما تضمین عرضه مسکن یک مسئولیت اجتماعی است. شرکت‌های قوی دولتی و شرکت‌های تعاونی امری لازم به منظور پائین نگه داشتن هزینه‌های مسکن و برای مقابله با جداسازی نژادی هستند. نفوذ ساکنان بر مساکن خود و محله خود باید افزایش یابد.



توسعه اجتماعی، اقتصادی و از لحاظ محیط زیستی پایدار جامعه نیاز به توسعه شهری آینده گرا دارد که زیستگاه های یکپارچه، متنوع و از لحاظ حمل و نقلی کارآمد در شهرها و مناطق پرجمعیت ما ایجاد کند.

متعلق به سیاست رفاه، امنیت در خیابانها و در خانه های خود نیز هست. مبارزه با جرم و جنایت بخشی از سیاست امنیتی است. این شامل مبارزه با علل جرم و جنایت نیز هست. جامعه باید به وضوح در برابر جرم و جنایت و نقض قواعد و اکنش نشان دهد. اما بهترین راه مبارزه با خلاف در دراز مدت، ساخت جامعه ای است که در آن نابرابری های اجتماعی کوچک هستند، که در آن هر کس حق کار دارد و که در آن کودکان و جوانان از شرایط مطمئن رشد و نمو برخوردارند.

## دموکراسی و مسئولیت های سیاسی

ایمان به دموکراسی هم توسط امکانات شهروندان در مشارکت و هم ظرفیت دموکراسی در به واقعیت رساندن تصمیم ها تعیین می شود. توانایی دموکراسی به عمل باید دائما پشتیبانی شود، هم در برابر گروه هایی که به موجب قدرت اقتصادی خود صاحب قدرتند و هم در مقابل گروه هایی که با اشاره به دانش خاص و یا مهارت های خاص خود معتقدند که حق بیشتری نسبت به دیگران برای نفوذ در سیاست را دارا هستند.

دموکراسی توسط نمایندگان، موثرترین سیستم تصمیم گیری دموکراتیک است. اما برای اینکه شهروندان احساس کنند به خوبی در مجامع تصمیم گیری نمایندگی می شوند باید این نوع دموکراسی با بحث باز و مشارکت زنده در میان خود شهروندان پشتیبانی شود. مقامات منتخب ما باید ترکیب جمعیت را منعکس کنند.

روند دموکراتیک و مدیریت جامعه باید بر باز بودن و شفافیت بنا شود. ایمان به دموکراسی بر اساس اینکه شهروندان میتوانند مطمئن باشند که سیاستمداران انتخاب شده آشکارا نیت سیاسی خود را اعلام و نشان می دهند که چگونه اداره مأموریت سیاسی خود را به انجام می رسانند ساخته شده است. احزاب باید موظف باشند به طور شفاف یارانه هایی را که از سازمانهای غریبه، منافع و شرکتها دریافت می دارند گزارش کنند. سیاستمداران منتخب باید موظف به افشای دیگر مأموریت های خود باشند.

هیچ چیز به اندازه بروز فساد و رشوه در اعتبار حکومت دموکراتیک بمنظور نفوذ در تصمیم گیری یا اجرای آنها ویرانگر نیست. احزاب سیاسی، نهادهای سیاستهای عمومی و سازمانهای اجرای قانون یک مسئولیت مشترک دارند که با تمام قدرت تلاش کنند از هر گونه نفوذ ناروا جلوگیری نمایند.

اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری دموکراتیک مستلزم این است که دولت که باید تصمیمات سیاسی را به اجرا بگذارد، توسط حرفه‌ای بودن و بی‌طرفی هدایت شود. مقامات باید برابری همه در برابر قانون را در نظر بگیرند و رعایت عینیت و بی‌طرفی را بنمایند.

به منظور ایجاد اعتماد هم به سیستم تصمیم‌گیری سیاسی و هم به مقامات اجرایی باید تقسیم مسئولیت بین سیاست و دولت واضح‌تر شود. مسئولیت سیاسی هرگز نمی‌تواند به مقامات غیرمنتخب تحویل داده شود. سیاستمداران همیشه مسئولیت نهایی برای تصمیم‌گیری سیاسی را دارند. این در هر دو سطح ملی و محلی معتبر است.

مجامع تصمیم‌گیری سیاسی در شهرداریها و استانداریها باید آزادی داشته باشند برای عملیات بودجه مالیاتی، آن شکل‌های اداره را انتخاب کنند که در نظر آنها بهتر با اهداف سیاستی ارائه شده مطابقت دارد. آنها بدین ترتیب حق دارند تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند فعالیتها را به مدیریت خود پیش ببرند و یا مسئولیت عملیاتی را به ارائه‌دهندگان خارجی انتقال دهند. علاوه بر رقابت، این میتواند از طریق تدارکات با ورود به مشارکت با شرکت‌های تعاونی و اجتماعی و یا سازمان‌های غیر انتفاعی انجام شود. علاوه بر این، باید ممکن باشد تدارکات تنها به سمت بازیگران غیر انتفاعی هدایت شود.

برای تمام فعالیت‌های انجام شده به مأموریت از طرف دولت که توسط بودجه مالیاتی تامین می‌شوند باید قوانین تعریف شده سراسری در کشور وجود داشته باشد. این اطمینان خواهد داد که فعالیتها با کیفیت بالا اجرا شوند، که انگیزه کسب سود محدود است و حاکم بر عملیات کار نمی‌کند، و کارکنان بدون توجه به نحوه اداره از همان حقوق و همان حفاظت برخوردارند.

بدون توجه به اینکه به چه شکل فعالیت‌های تامین شده با بودجه مالیاتی اداره می‌شوند شهروندان باید امکان بررسی آن و مطالبه پاسخگویی سیاسی را داشته باشند. به خاطر اصل عمومیت سوندی، شرایط نامناسب در رفاه و آسایش عمومی کشف و مورد بحث قرار گرفته‌اند. مطالبات معادل در رابطه با باز بودن و شفافیت باید در مورد ارائه‌دهندگان خصوصی که تحت رفاه بودجه شده با مالیات عمل می‌کنند برقرار باشد.

## اعتماد و اشتراک

یک جامعه مدنی قوی و پر جنب و جوش شالوده دموکراسی است. این تشکیل شده است از انجمن‌های غیر انتفاعی و بنیادها، جنبش‌های مردمی و انجمن‌ها، تعاونی‌ها، گروه اقدام و شبکه‌ها که توسط مردم در تعامل آزاد می‌خواهند ایده‌های خود را به تحقق پیوندند، اشتراک را توسعه ببخشند و از منافع خود حفاظت کنند.

جامعه مدنی مکانهای برخورد محافظت شده برای نیازهای سودآور تجاری بوجود می‌آورد که در آن شهروندان به طور طبیعی می‌توانند تجارب و مطالبات خود را به یک چشم انداز اجتماعی گسترده تر مربوط سازند. امری که آگاهی از ارزش های دموکراسی را افزایش می‌دهد و مسئولیت شخصی برای دموکراسی بوجود می‌آورد.

نیروی تغییری که زمانی که مردم برای اقدام مشترک ملاقات می‌کنند رخ می‌دهد باید نقش بسیار مهمی در ساختار اجتماعی بازی کند. کار اجتماعی باید بر اعتماد و احترام به تعهد شخصی شهروندان و سازمانهای خود شهروندان بنا شود. سیاست باید در یک گفت و گوی زنده با جامعه مدنی و برای ایجاد شرایط مطلوب برای توسعه جامعه مدنی شکل بگیرد. محل‌های مناسب برای انجمن‌ها، آموزش عمومی، ورزش و فرهنگ باید به راحتی در دسترس باشند، دارای یک استاندارد بالا با تکنولوژی مدرن باشند و برای همگان با شرایطی معقول باز باشند.

جامعه مدنی از طریق فعالیتهای خود دارای یک وظیفه مهم است، که نیروهای بازار را متعادل کند و بر قدرتهای سیاسی مطالبات قرار دهد. جامعه مدنی شامل اشکال مختلف تعاونی است، که به مردم این امکان را می‌دهد که ایده‌های خود را بصورت شرکت تحقق بخشند، شرکتهایی که به طور مشترک مالکیت می‌شوند و از ساختار دموکراتیک برخوردارند. شرکتهای تعاونی، که توسط علائق سود خصوصی هدایت نمی‌شوند، اقتصاد محلی را توسعه می‌دهند. آنها همچنین به نوسازی بخش دولتی منجر می‌شوند زمانی که استفاده کنندگان، اعضاء و خویشاوندان با هم مسئولیت فعالیتی که بصورت دولتی بودجه شده است را به عهده می‌گیرند. جامعه باید از توسعه فعالیتهای تعاونی حمایت کند.

وزنه مسلم در مقابل تجاری کردن بحثهای عمومی عرصه‌هایی است برای مکالمه مدنی و تبادل مدنی ایده‌ها و تجاربی که جنبش های اجتماعی از انواع مختلف ارائه می‌کنند. بحث، تشکل افکار عمومی و بررسی سیاست هرگز نباید به یک مسئله فقط برای مناظره کنندگان حرفه ای تبدیل شود. همانطور که کار اجتماعی باید توسط تعهد خود شهروندان انجام شود، باید بحث اجتماعی و فرهنگی هم به همانگونه انجام پذیرد.

دموکراسی در همکاری روزمره شروع می‌شود. امری در مورد بیان نظرات خود و توسعه آنها در مکالمات محترمانه با دیگران، در مورد حق داشتن در مطرح نظرات خود و سعی برای تأثیرگذاری بر دیگران و در مورد امکان اینکه در همکاری ایجاد انجمنها و فعالیتهایی که از علائق عمومی حفاظت می‌کنند کرد. با یک دموکراسی روزمره پر جنب و جوش ایجاد اعتماد به یکدیگر و به موسسات مشترکی که یک جامعه مطلوب با سرمایه بزرگ اجتماعی را مشخص مینماید کرد. این نشان می‌دهد که ممکن است با هم زندگی را تغییر دهیم، کاری متفاوت و بهتر به انجام برسانیم.